



دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۴ برابر ۹ دسامبر ۱۹۸۵
پیاپی ۶۰ - سال دوم - شماره ۸۶

مردمی، مترقی، این مجمع جهانی و مصوبات آنرا بی اعتبار سازند، اما از اهمیت این سند کاسته نمی شود. بدینگونه جهان یکبار دیگر داغ ننگ بر پیشانی خمینی چنانکه کوبیده است.

بدنبال اعلام خبر تصویب این قطعنامه، در تهران وزارت امور خارجه اطلاعیه ای صادر کرد و طی آن به صدور این قطعنامه اعتراض کرد. در حالی که همواره تمامی سردمداران رژیم و از جمله شخص خمینی با صراحت بر اراثت خود را از پابندی به موازین حقوق بشر اعلام داشته و بکرات با تحقیر و تنفر آشکار از این میثاق جهانی نام برده اند، واکنش اعتراضی

در هفته گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ای به تصویب رسید که طی آن رژیم بربرمنش جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر محکوم شناخته شد. اظهار نظر این مجمع بین المللی در پی افشای هر چه گسترده تر رژیم خمینی در سطح جهان صورت می گیرد و گویای این حقیقت است که این رژیم همانند رژیمهای رسوای پرتوریا و تل آویو، در حکم عفونت چرکینی در میان جامعه ملل محسوب می شود.

اگر چه دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی می کوشند با ارائه قطعنامه های مشابه درباره دولتهای

وزارت امور خارجه خلاف قاعده بنظر می رسد و نشانگر موقعیت ضعیف رژیم در عرصه بین المللی می باشد و در حکم تشبیتی محسوب می شود که برای گریز از بن بست به عمل می آید.

این قطعنامه و قطعنامه های مشابه آن، ثمره افشاگری های وسیعی است که علیه جنایات جمهوری اسلامی صورت گرفته است. اکنون جهانیان می دانند که در ایران چه می گذرد، می دانند که دستان رهبران پلید بقیه در صفحه آخر

زنگنه نامه
رفیق شهید ابراهیم لطف الله زاده
در صفحه ۲

صحیفه سرخ
شعری از دوره نهضت (۲ آذر)
در صفحه ۱۴

نعمت آسمانی و فلاکت زمینی

باز آمد. "این یک پیروزی واقعی است!" مسئولین رژیم در برابر خشم و نفرت و اندوه مردم، چنین نعره می کشند.

در پدر به دنبال جوانان می گردند تا راهی چپه هایشان سازند. اعلام بسیج عمومی کرده اند و به گوشت دم توپ نیاز دارند. خانواده ها مصیبت زده اند. جوانی را از دست می دهند که برای بسیاری از خانواده ها در وضعیت فلاکت بار موجود، نان آوری است. مادران اشک می ریزند و مسئولین رژیم فریاد می کشند: "این یک پیروزی واقعی است!"

این عبارت نفرت انگیز را بقیه در صفحه ۲

جنگنده های عراقی مسلح به موشکهای دقیق اکزوست بدون این که دغدغه چندانیتی داشته باشند به ست خارک پرواز می کنند، موشکهایشان را شلیک می کنند، توده عظیمی از دود و آتش بر جای می گذارند و باز می گردند. رفسنجانی در نماز جمعه فریاد می کشد: "این یک پیروزی واقعی است!"

مردم، خسته و تکیده و اندوهگین ساعتها در صفهای انتظار در یافت مواد غذایی می مانند و با نگاهی آکنده از غمی سنگین به حمله های عزایی می نگرند که در سر کوچه ها برای جوانانشان بر پا کرده اند؛ ماه پیش با قامتی رشید رفت و دیروز جنازه تکه تکه شده اش

دگر امید داشت ۱۹ بهمن

به روز ۱۹ بهمن سالروز بنیادگذاری سازمان ما، زمان چندانیتی نمانده است. اکنون قریب ۱۵ سال از روزهای سرد بهمن ماه سال ۴۹ سپری شده است. در طی این مدت، میهن ما رویدادهای بزرگی را از سر گذرانده است. رژیمی که نتوانسته بود در سیاهکل موج خون برپا کند، نتوانست بماند و به زیاده دانی تاریخ سپرده شد، امانه آسان.

در تدارک براندازی رژیم منحوس شاه مبارزاتی سرخشان در شرایطی بسی دشوار در پیش برده شد. زمانی آن رژیم از درون پوسیده چنان مستحکم و پا بر جا بنظر می آمد که سازشکاران و مماشات گران نبرد با آن را مشت بر سنگ و سر بر دیوار کوفتن وانمود می کردند. بقیه در صفحه ۲

مسئولین رژیم:

با کارگران اعتصابی، مثل کارگران شرکت ساسان رفتار خواهیم کرد!

یولیان سیمیانوف، خالق "لحظات هفده گانه بهاران"

شوروی، و عضو هیات رئیسه اتحادیه سراسری نویسندگان این کشور است. کتابهای او هم در اتحاد شوروی و هم در دیگر کشورها خوانندگان فراوانی دارد. تیراژ کتابهای او در سراسر جهان به ۲۰ میلیون جلد می رسد.

در این شماره "اکثریت"، ما گفتگوی جالبی داریم با این نویسنده برجسته. او با ما از دیدها و شنیده های خود سخن گفته است، از ضرورت آگاه گشتن و آگاهانه رژیمیدن. او از انقلاب ایران با شور زائد الوصفی یاد می کند. او بر مبنای تجربیات خود، با اطمینان تاکید می کند که ملت بزرگ ما که آن انقلاب عظیم را به انجام رسانده است، قادر است حاکمیت حقیر و پست فعلی را از میان بردارد. با هم این گفتگوی شور انگیز را می خوانیم. بقیه در صفحه ۱۲



رمان پر شور "لحظات هفده گانه بهاران" را خوانده اید؟ ماکسیم ایسایف، کمونیست قهرمان، هوشیار، و تالیف شناس و پیراز عارفه و عشق به صلح و بشریت را، یولیان سیمیانوف باز آفرینی کرده است. یولیان سیمیانوف، یکی از مشهورترین و محبوبترین نویسندگان اتحاد

تکرار آن جنایت و یا ترساندن کارگران از تکرار آن، قادر است حرکتی گسترش یابنده کارگری را مهار کند و خاموش سازد. اما جنبش قوی تر از آن است که با چرخاندن شمیر برهنه سرکوب، از حرکت باز ایستد.

در مرداد ماه امسال آخوند جنایتکاری به نام خالقی حاکم شرع دادگاههای قزوین و معاون کمیته منطقه، که به دلیل مسئولیت ویژه خود در یک منطقه مهم صنعتی کشور از نزدیک با حرکتی کارگری مواجه است، در برابر کارگران اعتصابی کارخانه کاشی سازی پارس سیاست توسل به سرکوب رژیم در مقابل طبقه کارگر را به نمود روشنی بیان داشت. وی خطاب به کارگران اعتصابی گفت: "ما از این اعتصابها زیاد بقیه در صفحه ۸

سلاح فریب، سلاح کند و نابرابری است و تنهادر شرایط ویژه ای از لحاظ عینی و ذهنی، می تواند موثر باشد. وانگهی اگر از این سلاح مکرر استفاده شود، تیغه ست و نابرابری می شکنند و چاره ای جز توسل به شمشیر آخته سرکوب باقی نمی ماند. این یک منلق روشن طبقاتی است که هم رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی بدان واقف است و هم طبقه کارگر ایران. بیپوده نیست که اکنون بر کنترل پلیسی در کارخانه ها دم بدم افزوده می شود و آنگاه که حرکتی کارگری به سوی اشکال قاطعتر مبارزاتی سوق داده می شود، پای سرکوب مستقیم پیش می آید. سرکوب خونین کارگران شرکت ساسان (کانادادری) در سال گذشته بیانگر این مکانیسم ناکزیر است که تاکنون به شکلهای مختلف تکرار شده است. رژیم گمان می برد با

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

شکرگزار داشت "۱۹ بهمن"

بقیه از صفحه اول در آن هنگامه سخت، در آن ایامی که رنج مردم ما از ستم آن رژیم استبدادی و سرسپرده بی حد بود، نقش سازمان ما در حکم پیشاهنگ جنبش انقلابی میهن، در استمرار و گسترش بخشیدن جنبش، چنان ستایش انگیز بود که برای همیشه بر تاریخ میهن ماحک شده است.

امکان ایفای چنان نقشی به بهای فداکاریها و قربانیهای بسیار بدست آمد. اولین گروهی که در صبحگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ تیرباران شدند، سرخلقه زنجیره بلند شهیدانی محسوب می شوند که تا به امروز امتداد یافته است. سازمان ما در میدان رزم ثابت کرده است ما و پیروانمان گردان دلوری است که با پایبندی به آرمان های خلق و با شور و شوق انقلابی، پاسدار شرف ملی، و پیونده ثابت قدم راه رهایی رنجبران و همه مردم ایران هستند. در صدر رویدادهای فرخنده پانزده سالی که گذشت، رویدادهای

روزهای شکوهند سال ۵۷ - سال انقلاب جای دارد که در بهمن ماه طومار سیاه سلطنت و خاندان پهلوی را در هم نوردید. نقشی را که سازمان ما در تحقق این آرزوی ملی دیرینه ایفا کرد، درس لوحه افتخارات فدائیان خلق جای دارد. ما فدائیان خلق همواره به ایفای چنین نقشی مباحثات می کنیم.

ایفای چنان نقشی اعتماد کارگران و رنجبران را به سازمان مستحکم کرد، که این خود پذیرش و انجام وظایف تازه تر و بفرنج تری را، در شرایط تازه و بفرنج، می طلبد. در ایفای چنین وظایفی، سازمان به گرانقدرترین دستاورد تاریخ حیانت دست یافت و مبارزه را به مثابه سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران پی گرفت.

اکنون این پیشاهنگ طبقه کارگر، در آستانه شانزده سالگی در موقعیت بی بدیلی قرار گرفته است. این که تشکیلات فدائیان خلق گسترده ترین، منسجم ترین و مستحکم ترین تشکیلات انقلابی در سطح کشور

است، با اینکه در سازماندهی مبارزه زحمتکشان فدائیان خلق پیگیرترین هستند با اینکه فعال ترین نیروی حاضر در سنگرهای مقاومت سراسری علیه رژیم خمینی، فدائیان خلق می باشند، نه فقط افتخار آفرین است که پیشبرد پیروزمندان و وظایف سترگی را نیز در دستور می گذارد. این موقعیت به سازمان مسئولیتی خطیر در جنبش کمونیستی و کارگری و در جنبش انقلابی میهن ماحول کرده است.

به لحاظ چنان موقعیتی است که رژیم ضد مردمی و جنایتکار خمینی و دیگر دشمنان مردم، با تمام تبلیغات کثیف خود تلاش دارند تا حقانیت آرمانها و مواضع انقلابی سازمان و تاریخ سرفراز مبارزه انقلابی، استواری و جانفشانی فدائیان خلق در راه مردم را بر مردم بیوشانند. برای انجام شایسته وظایفی که بر عهده داریم، مقابله مرچه گسترده تر با این تبلیغات اهریمنی از وظایف جدی همه فدائیان خلق می باشد. در این زمینه اعضا و هواداران سازمان در خارج از

کشور نیز باید همه امکانات را به کار گیرند تا به رغم رذیلانه ترین تشبیهات دشمنان و با خفنی کردن آن، بیشترین نیرو حول پرچمی که سازمان ما بر افراشته است، گرد آیند. در گرامیداشت پانزدهمین سالگرد سازمان، پیگیرتر و پر شورتر از همیشه به انجام این وظیفه بپردازیم. در این راه و در جهت انجام چنین وظیفه ای، نشریه "اکثريت" از شماره آتی تا ۱۹ بهمن در هر شماره مقاله ای را درج خواهد کرد که در آن به طور فشرده برنامه و عملکرد انقلابی سازمان در ۱۵ سال گذشته در عرصه های گوناگون تشریح می شود.

تبلیغ هر چه گسترده تر برنامه انقلابی، عملکرد مسئولان و تاریخ پر افتخار و شورانگیز سازمان ما بخش موثری از مبارزه ای است که سرنوشت آینده کشور، با آن در پیوند است. با سرسختی بی مثال فدائیان خلق، در پیشبرد پیروزمندان این مبارزه پیکار کنیم!

نعمت آسمانی و فلاکت زمینی

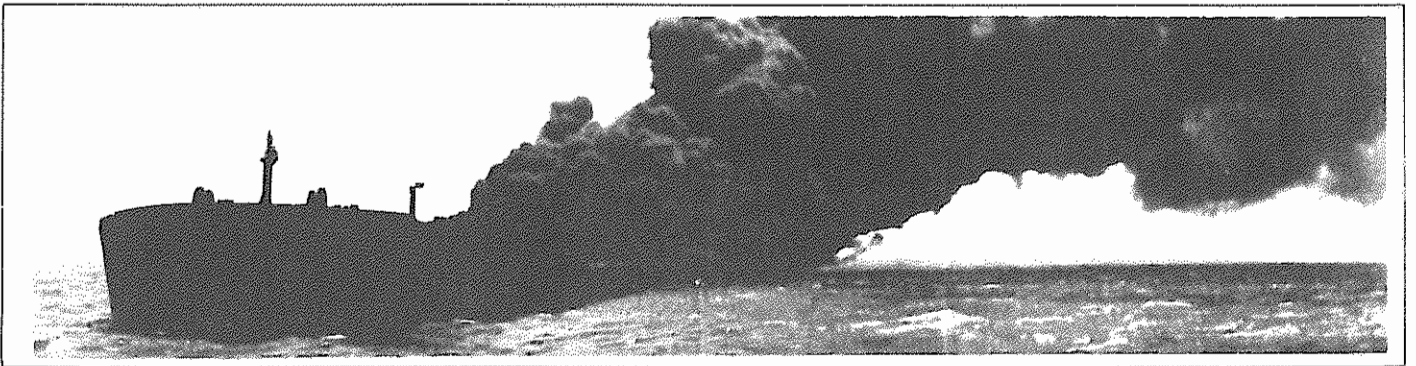
بقیه از صفحه اول
رفسنجانی در نماز جمعه هفته پیش بر زبان راند. او همه شکستها و مصیبت ها را "نعمت آسمانی" خواند و از تداوم جنگ تا ۲۰ سال سخن راند. جنگ برای این خونخواران و آدمکشان شاید "نعمت آسمانی" باشد اما برای مردم چیزی جز یک "فلاکت زمینی" نیست.

عوارض این فلاکت زمینی هر روز آشکار تر می شود. همین حملات اخیر عراق به پایانه نفتی خارک اکنون دارد تاثیراتش را نشان می دهد. آقازاده وزیر نفت جدید جمهوری اسلامی در مصاحبه مطبوعاتی روز دوشنبه هفته پیش ادعا کرد که

"وضعیت کنونی تولید و صادرات نفت خوب است و حتی یک مقدار هم بیشتر از سابق است. حملات به خارک موثر در صادرات ما نیست." این حرف از آن حرفهایی است که فقط مسئولین جمهوری اسلامی وقاحت کافی برای بر زبان راندن آنها را دارند. طبق خبرهای موثق اسکله بزرگ H که مخصوص بارگیری کشتی های نفت کش ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تنی است، اسکله بزرگ T که کشتی های با ظرفیت ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن در آن پهلو می گیرند غیر قابل استفاده شده است. اسکله دیگری که در پشت خارک رو به تکتک هرمز وجود دارد اصولاً قادر به پذیرش کشتی های بزرگ نیست. سرمایه های ملی آتش زده می شود، برای جلب رضایت

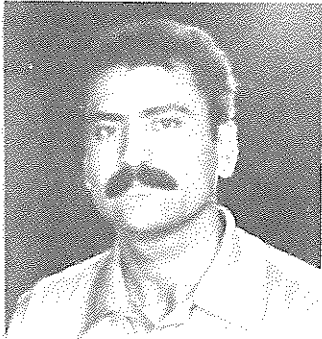
مشتریان، چوب حراج بر نفت ایران زده شده است و آقای وزیر نفت اعلام می دارد "وضعیت کنونی ... خوب است" البته که برای تداوم جنگ باید نفت فروخت. بهر قیمتی و به هر شکلی. آنچه که در خارک و نودوز و نقاط دیگر نمی سوزد باید در جبهه های زمینی بسوزد و میمه جهنمی شود که فرزندان مردم را می سوزاند. دلارهایی که از تاراج دادن نفت به دست می آید تا خرج کشتارهای بیشتری شود، برای رهبران رژیم - حکم "نعمت های آسمانی" را دارند. اما برای مردم، این "نعمت آسمانی" در خدمت تشدید "فلاکت زمینی" است.

روزنامه کیهان ۵ آذر می نویسد: "حجم نقدینگی کشور ما در سال ۵۷ قریب ۲۵۰ میلیارد بوده است که این حجم متورم شده و هم اکنون بیش از ۶۵۰ میلیارد تومان است که ۹۰ درصد از این مقدار در اختیار ۱۰ درصد مردم است و ۱۰ درصد بقیه در اختیار ۹۰ درصد مردم است." اینها از جمله آثار "نعمت آسمانی" جنگ محسوب می شوند. در برابر این وضعیت رهبران رژیم چه می گویند؟ پاسخ روشن است. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته گفت: "این آثار جنگ است و اگر جنگ این طور جامعه را متحول و متحرک می سازد، بگذارید جنگ همیشه در جامعه باشد!"



پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

زندگینامه رفیق شهید ابراهیم لطف الله زاده يك فدایی پولادین و رزمنده‌ای شناخته شده در جنبش خلق کرد



شد. قلبش فشرده شد. با تکرانی به فرزند نکریست. اختیارش از دست رفت و رو به پاسداران کرد و گفت: "رها کنید پسر مرا! او را از من نگیرید!" ابراهیم با لحن مقتنع اما پیر از کینه نسبت به رژیم، خطاب به مادرش گفت: "مادر! از این مزدوران چیزی نخواه! این حیوانات فقط برای آدم کشتن اینجا ایستاده اند."

پس از این دیدار بود که ابراهیم به جوخه اعدام سپرده شد. آسودگی خاطر او در آخرین ملاقات با والدینش بیهوده نبود. می دانست که تا به آخر فدایی خلق باقی مانده است.

وصیت نامه ابراهیم را به خانواده اش ندادند. دژخیمان گفتند: "دادن این وصیت نامه خلاف مصالح جمهوری اسلامی است و باعث کمره شدن کسانی می شود که آنرا ببینند."

دژخیمان، وصیت نامه را تنها برای پدر ابراهیم خواندند:

"... من در راه آزادی طبقه کارگر و در راه رهایی همه انسانهای در بند مبارزه کرده و در این راه کشته می شوم.
ابراهیم لطف الله زاده"

سرشناسی رفیق به عنوان یک فدایی پولادین قدیمی و رزمنده برجسته ستر مقاومت خلق کرد، دژخیمان را بسیار حریص ساخته بود. آنها می پنداشتند اگر او به زانو درآید، می توانند تا مدتها در بوق و کرنای خود بدمند. اما رفیق، فدایی وار ایستاد و فدایی وار شهید شد و با مقاومت دلیرانه خود، ضربه دیگری بر ارتجاع زد.

قریب به ۴ سال شکنجه دادن، دیتکر، دژخیمان رژیم را به این نتیجه رساند که ابراهیم، شکنجی نیست. از همینرو فرمان اعدامش را صادر کردند. رفیق ابراهیم در روز ۱۳۶۴/۶/۲۱ برای آخرین بار با والدین خود ملاقات کرد. او در این ملاقات بسیار سر زنده و بشاش بود. وقتی که ابراهیم حلقه ازدواج، ساعت و عکس مهرش را که در گذشته بود به پدرش داد، او پرسید: پسر، آیا این آخرین دیدار ماست؟ ابراهیم خندید. یکی از کارهای دستی دوران اسارتش را که نقش گلی بر روی یک سنگ بود نیز به مادرش هدیه کرد. مادر هراسان

بیداری تو بخشش را رو بیاورد
رفیق و ترانه تو با ما مانده است
فریاد تو می شکوید و می گوید:
این سزای سر و خلق را می خواند.

همدانی بود که در سال ۱۳۵۶ در خرم آباد، به دست مزدوران رژیم سرنگون شده شاه، شهید شد.

رفیق ابراهیم در سال ۱۳۵۴ بر اثر پیگرد پلیس و ساواک شاه، به زندگی مخفی رو آورد. در سال ۱۳۵۵ رهبری سازمان ماضریه خورد و ارتباط رفیق ابراهیم با سازمان قطع شد. اما رفیق رژیم خود را پیش برد. او یکی از همزمانش تصمیم گرفتند مبارزه خود را در صحنه رژیم خلق فلسطین پیش ببرند. بهمین جهت از کشور خارج شدند و به این پهنه از مبارزه خلقهای منطقه که برای آنان تجربیات گرانقدری به همراه داشت، گام نهادند. او در این جبهه نیز شور و از خود گذشتگی و دلآوری کم نظیری از خود نشان داد.

رفیق ابراهیم با اوجگیری انقلاب به همین باز گشت. رفیق در دور جدید مبارزه در ستر مقاومت خلق کرد قرار گرفت. خلق کرد بی گمان مرکز یاد این رفیق را که سبیل شجاعت، هوشیاری، آگاهی و درایت بود، از خاطر نخواهد برد. او در این ستر سراپا شور و حرکت بود. آموخته های خود در جبهه رژیم خلق فلسطین را به پیشمرگان خلق کرد انتقال می داد و با وربرجسته آنان در مقاومت در برابر یورش ارتجاع بود. "سعید" را در کردستان همه نیروهای رزمنده، بویژه آنانی که نقش اصلی را در پیشبرد امر مقاومت ایفا می کردند، به خوبی می شناختند. محبوبیت او در میان رفقای سازمان در کردستان و در میان دیگر رزمندگان کرد، همواره مثال زدنی خواهد بود.

رفیق ابراهیم لطف الله زاده، در سال ۱۳۶۰ به دست عوامل رژیم جمهوری اسلامی افتاد. ابتدا او را در زندان تبریز به بند کشیدند، بعد او را به عسرت آباد منتقل کردند، ۵ ماه او را به اوین فرستادند، ۶ ماه در زندان کوهر دشت کرج محبوس ساختند و بعد از ۱/۵ سال مجدداً روانه اوینش کردند. در جریان این نقل و انتقالات، همه شکنجه گران سرشناس رژیم با انواع شکنجه ها عزم او را آزمودند و مایوسانه دریافتند که رژیم با خون این فدایی قهرمان عجبین شده است. شکنج در مرام و منش و شخصیت ابراهیم نبود. دژخیمان فراوان تلاش کردند، اما هر بار ناامیدتر گشتند.

رفیق شهید ابراهیم لطف الله زاده - که در سازمان خاصه در کردستان با نام مستعار "سعید" شهرت داشت - در سال ۱۳۲۱ در شهر خوی بدنیا آمد. پدرش معلم و مادرش خانه دار بود. وضع زندگی خانواده پائین تر از یک خانواده متوسط الحال بود. پدر او در سال ۱۳۴۰ به قم انتقال یافت. بهمین خاطر ابراهیم، دوران تحصیل خود را در این شهر گذراند. در همین سالهای اولیه دبیرستان با اندیشه های چپ آشنایی یافت و دریافت که باید در راهی گام بگذارد که ستاره پرفروغ سوسیالیسم را در پیش رو دارد. او حین تحصیل به کارهای مختلف - چون مکانیکی، آهنکری و نجاری اشتغال داشت. او از این طریق کمک حال خانواده خود بود، علاوه بر این که از نزدیک با زحماتشان در تماس قرار می گرفت و با زندگی آنان تماس گسترده تری می یافت. جهت گیری مبارزاتی او در این دوره از زندگی پر بارش، دم بدم پر رنگ تر شد، آگاهی خود را افزایش می داد و دیگران را نیز آگاه می ساخت. او روحیه جمعی و عشق به کار و تلاش و زندگی زحمتکش را در خانواده و در میان دوستان خود، گسترش می داد. از این طریق سهم بسزایی در جهت گیریهای بعدی آنان ایفا کرد.

رفیق ابراهیم در سال ۱۳۵۰ دیپلم خود را گرفت و در همان سال در رشته کشاورزی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد. گام نهادن به دانشگاه روابط سیاسی وی را گسترش بخشید. در همان سال اول به عنوان یکی از فعالین مبارزات دانشجویی شناخته شد. در آن هنگام کمتر از یک سال از اعلام موجودیت سازمان می گذشت اما دیگر، همه نیروهای مبارز با نام و راه سازمان آشنا شده بودند. رفیق ابراهیم نیز در سال ۵۰ با ورود به دانشگاه تبریز - که یکی از پایگاههای مهم سازمان ما محسوب می شد - بلافاصله توانست با سازمان بیشتر آشنا شود. چندی نپایید که با تلاش خود او و با شناختی که رفقای سازمان از او کسب کرده بودند، با سازمان رابطه پیدا کرد و در سال ۱۳۵۱ به عضویت این تشکل رزمنده که کانون اصلی رژیم انقلابیون بود، درآمد. از جمله همزمان آن هنگام وی رفیق قاسم

سازمان عقوبین المللی، کشتار و شکنجه در ایران را تقبیح کرد

شلاق، کابل تلفن و سیم های فنی که رشته های آن در انتها از هم جدا هستند تا زخم های عمیق تری ایجاد کنند، رایجند. زندانیان سیاسی در ایران ساعتها از سقف شکنجه گاهها آویخته می شوند یا با سیکار و دستگاههای الکتریکی سوزانده می شوند. زنان و مردان زندانی غالباً مورد تجاوز قرار می گیرند.

فراتر از آن، این سازمان شیوه های شکنجه روانی را که علیه زندانیان سیاسی به کار گرفته می شوند مورد انتقاد قرار داده

به نقل از روزنامه آلمانی آلتکامپنه تساتینوتک - ۱۱ دسامبر

روز گذشته سازمان عفو بین المللی، دستگیریهای بی دلیل خود سرانه و متداول هزاران ایرانی، اعدام ها، شکنجه و حبس های دراز مدت بدون محاکمه را شدیداً محکوم نمود.

این سازمان در نامه ای به شورای سیاسی مجلس پارلمان اروپا نوشت "هزاران زندانی سیاسی در ایران وجود دارد." حبس های سیاسی طول می کشند. تعداد واقعی زندانیان سیاسی بندرت قابل تعیین است. در مواردی همه افراد یک خانواده در زندان بصری می برند.

اشکال تنبیه بدنی شامل ضربه با

سازمان ملل، جمهوری اسلامی را به علت نقض حقوق بشر محکوم کرد

هفته گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای درباره نقض حقوق بشر، جمهوری اسلامی را محکوم کرد. صدور این قطعنامه ورای محکومیت آن از سوی این گسترده‌ترین مجمع جهانی خشم سران جمهوری اسلامی را برانگیخت. در نخستین واکنش رسمی جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه ضمن ابراز مخالفت با رای صادره تصریح شده است که حکومت کماکان بر اساس "قوانین اسلامی" و بشیوه گذشته با مخالفین برخورد خواهد نمود.

بودجه سال ۶۵ به مجلس ارائه شد

روز یکشنبه ۱۰ آذر ماه، میرحسین موسوی نخست وزیر، لایحه بودجه سال ۶۵ را به مجلس برد. یک هفته پیش از ارائه این لایحه، بحث بر سر بودجه سال ۶۵ علناً در مجلس آغاز شده بود. بر اساس گزارش موسوی، نکات محوری بودجه سال ۶۵ عبارتند از:

* جنگ - در سال ۶۵ هزینه‌های نظامی جنگ که سرسوی آنرا "اصلی‌ترین محور تمام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی" جمهوری اسلامی نامید، علیرغم کاهش درآمدهای کشور، ۱۲/۵ درصد افزایش خواهد یافت. علاوه بر این همه ادارات و ارگانهای دولتی موظف شده‌اند، بخشی از بودجه خود را به تأمین نیازهای جبهه تخصیص دهند. در این رابطه موسوی در مجلس اظهار نمود که "دستگاههای مختلف دولتی را موظف نموده تا به نیازهای جبهه اولویت تمام داده و تجهیزات و امکاناتی که در این رابطه مورد احتیاج است را در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهند."

* بودجه عمرانی - بودجه عمرانی در سال آتی نیز کاهش خواهد یافت. بنابه اظهارات موسوی، بخش اعظم هزینه‌های فعالیت‌های عمرانی پیش‌بینی شده نیز باید توسط مردم و یا از محل استقراض از بانکها تأمین شود. برای مثال: "پیش‌بینی شده است که هرگاه مردم یک ناحیه ۵۰ درصد از هزینه‌های یک طرح عمرانی را تأمین نمایند دولت موظف است، ۵۰ درصد دیگر این هزینه‌ها را تأمین نماید."

* درآمدها - کل درآمدهای پیش‌بینی شده برای سال ۶۵، معادل ۲۲۸۸/۵ میلیارد ریال خواهد بود که نسبت به سال ۶۴، معادل ۶/۶ درصد کاهش خواهد داشت. علت کاهش درآمدها، ناشی از کاهش درآمد نفتی کشور اعلام شده است. موسوی در این رابطه افزود: "پیش‌بینی کاهش درآمدهای دولت در سال آتی ناشی از برآورد کمتر، لکن حقیقتی تر از درآمد نفت می‌باشد. زیرا درآمد نفت در بودجه مصوب سال جاری ۱۸۶۷ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود که عللاً متحقق نخواهد شد. به همین جهت این درآمد برای سال آتی ۱۶۰۰ میلیارد ریال برآورد گردیده است که ۱۴/۲ درصد کمتر از سال گذشته است." در زمینه درآمدهای دولت، میزان مالیاتها تا ۱۱۶/۴ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت، حال آنکه ۵۲۸/۱ میلیارد ریال نیز بعنوان درآمد ویژه دولت اعلام شده است. بودجه سال ۶۵، با وجود کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی، معادل ۶۲۵ میلیارد ریال کسری خواهد داشت.

اعتراف نخست وزیر به کاهش صادرات نفت

میرحسین موسوی، نخست وزیر در جریان گزارش دولت درباره بودجه سال ۶۵ به مجلس برای نخستین بار از کاهش صادرات نفتی در جمهوری اسلامی سخن گفت و این درحالی است که در همین هفته آقازاده وزیر نفت مدعی شده بود که صادرات نفت جمهوری اسلامی در این مدت افزایش یافته است. موسوی در گزارش خود به مجلس اظهار داشت: "در سال ۶۴ اگر دولت توانست از تأثیر حملات دشمن بر منابع صادرات نفتی کشور بکاهد، اما تأثیر قهری این حملات و وضعیت نامطلوب بازار جهانی نفت موجب عدم تحقق بخش‌هایی از درآمدهای دولت شد." وی در خصوص کاهش درآمدهای دولت در اثر کاهش صادرات نفتی جمهوری اسلامی آماری نیز ارائه کرد. بر اساس این آمار در مفت ماه اول سال جاری تنها ۶۱ درصد از درآمد پیش‌بینی شده برای این مدت زمان (هفت ماه) تحقق یافته است. با این حساب بنا به اعتراف موسوی درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی بیش از یک سوم کاهش داشته است.

آیاتر مینال خارک هم به سرنوشت پالایشگاه آبادان دچار می‌شود؟

آقازاده وزیر نفت جدید کابینه موسوی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی که روز دوشنبه ۱۱ آذرماه برگزار شد، گفت: "وضعیت تولید

رفسنجانی در نماز جمعه: بگذارید جنگ همیشه در جامعه باشد

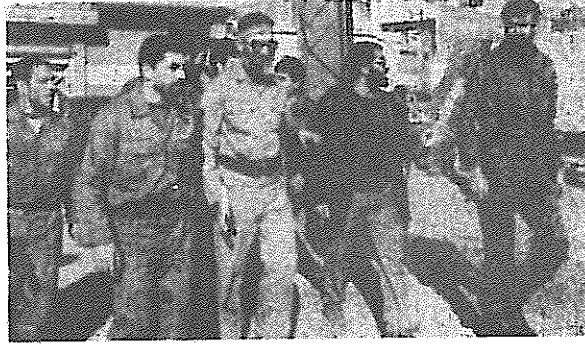
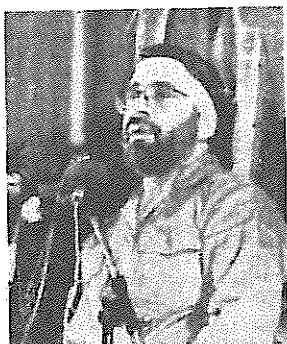
گذشته وارد پایگاه هوایی نوره شده بود، طی سخنانی خطاب به بسیج گفت: "در ادامه حمایت شما از جبهه‌ها، دشمن سرگردان شده است که ما می‌خواهیم بیکار کنیم؟!"

طی روزهای گذشته در تبلیغات جنگ طلبانه میان سرکردگان رژیم مسابقه‌ای در گرفته است. عکس‌هایی از خامنه‌ای و موسوی که در این صحنه مشاهده می‌کنید. نشان می‌دهد که چگونه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر رژیم خمینی با آراستن خود به میبیت اعضای "کاروانهای کرپلا" در ادبات جنگ طلب تر بودن خود رقابت می‌کنند.

بقیه در صفحه ۹

رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ آذرماه اظهار داشت: "بگذارید جنگ همیشه در جامعه باشد... اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد رحمت الهی خواهد بود" رفسنجانی آمادگی رژیم را برای دست زدن به یک ماجراجویی خونین اعلام داشته و درباره شیوه سیاست پیشبرد جنگ گفت: "از شمالی‌ترین جبهه‌ها تا جنوبی‌ترین جبهه‌ها باید پر از جمعیت آماده حمله باشند. و اگر چنانچه عراق شرارتی نکند ما همان سیاست قبلی خودمان را ادامه می‌دهیم و با توجه به شرایط سیاسی جنگ هر وقت مناسب پیش آید، کار خودمان را انجام می‌دهیم."

خامنه‌ای رئیس‌جمهور نیز که در هفته



خبرهایی از استان خوزستان

سرنوشت کارکنان پالایشگاه آبادان

• چه خواهد شد

آبادان - سرمداران جمهوری اسلامی وزارت نفت در تدارک آن هستند که تعطیلی پالایشگاه بزرگ آبادان را داشمی نمایند. کاراین پالایشگاه از آغاز جنگ در سال ۵۹ متوقف شده است و کارکنان آن به طور موقت در مناطق دیگر در واحدهای تابعه وزارت نفت به کار گمارده شدند. اکنون وزارت نفت در صدد است این انتقال موقت را داشمی سازد. در جهت اجرای این امر و به منظور کنکاش دریافتن طرق اجرای آن، در مهرماه جلسه ای برپا گردید که تا ده روز به درازا کشید. در این جلسه رئیس پالایشگاه و روسای بخش های مختلف آن از قبیل خدمات و هم چنین روسای برخی از ادارات وابسته به وزارت نفت، شرکت داشتند. در جلسه جوانب مختلف امر انتقال کارکنان پالایشگاه به صنایع پتروشیمی، خط لوله، مخابرات، نفت فلات قاره و... بررسی شد.

مسئولین وزارت نفت علاوه بر زمینه سازی در جهت اجرای طرح فوق، در صددند تعدادی از کارکنان پالایشگاه را پیش از موعد بازنشسته کنند. عده زیادی از کارگران و کارمندان دارای بیش از ۱۵ سال سابقه خدمتی مشمول بازنشستگی بیش از موقع خواهند شد. طرح باز خرید کارکنان با بیش از ده سال سابقه کار نیز مورد نظر است. گفته می شود این طرح بیش از دیگران شامل کارکنان زن پالایشگاه خواهد شد.

از مبارزات نفتگران علیه جنگ

خارک - بمباران مکرر جزیره خارک، برای کارگران این جزیره فاجعه بار بود. تعدادی از کارگران به قتل رسیده و جان کارگران دیگر نیز همواره در معرض خطر بود. این امر نارضایتی و اعتراض عمیقی در میان کارگران شاغل در جزیره برانگیخت. کارگران آشکارا و به اشکال گوناگون اعتراض خود را ابراز داشتند. آنها از ادامه کار در جزیره سرباز زدند و علاوه بر این کارگرانی که از دیگر مناطق مامور خدمت در این جزیره می گردیدند، از پذیرش این مأموریت خودداری می کردند. دادستانی اهواز هرروزه برای عده ای از این دسته از کارگران حکم بازداشت صادر می کند.

گسترش فزاینده این واکنش اعتراضی کارگری، سرمداران رژیم را وحشتزده کرده است. به منظور مقابله با آن، تولاوی مدیرکل امور مناطق نفت خیز وزارت نفت در شهریورماه وارد جزیره شد. او در جمع کارگران به سخنرانی پرداخته و اظهار داشت که جمهوری اسلامی مصمم است بهر صورت و بهر ترتیب از این جزیره نفت صادر کند. او گفت: "بهر شکلی که شده باید نفت صادر شود و اگر لازم شود ماباشکه

اهواز - سرپرستی رستوران و نهارخوری در موسسات تولیدی و اداری جمهوری اسلامی از جمله مشاغل است که بخاطر امکانات دزدی و سوء استفاده در آن، مورد نظر دزدان و دله دزدان ایادی رژیم است. در شرکت نورد لوله، یکی از اعضای انجمن اسلامی بنام قنبری موفق به تصاحب این سمت گردید. او بلافاصله پس از آغاز کار با کاستن از کیفیت غذای کارگران به مال اندوزی پرداخت. در برابر اعتراضات کارگران مدعی شده بود که بخشی از بودجه مربوطه را صرف کمک به جیبه های جنگ کرده است. طبعاً این عذر بدتر از گناه این دزد سرگردنه نمی توانست کارگران را خاموش نماید. آنان با دست زدن به یک حرکت اعتراضی جمعی، در شهریور ماه استفاده از غذای رستوران را تحریم نموده و خواستار عزل سرپرست مزبور گردیدند. مسئولین کارخانه در آغاز کوشیدند به این خواسته کارگران بی توجهی نشان دهند. آنان گمان می کردند که کارگران بزودی خسته شده و تحریم شکسته خواهد شد. در پاسخ کارگران معترض می گفتند که: "مگر شمار در خانه هایتان چیزی بهتر از این می خورید؟"

بر خلاف انتظار مدیریت کارگران خسته نشده و تحریم ادامه یافت و بالاخره به پیروزی آنان انجامید. مدیریت بناگزیر سرپرست رستوران را برکنار و کیفیت غذا را بهبود بخشید.

در این شرکت در مهرماه نیز کارگران برای کسب ابتدائی ترین حق خود یعنی دستمزد ماهانه،

ناگزیر به مبارزه دسته جمعی گردیدند. مسئولین شرکت تا دهم مهرماه از پرداختن حقوق آنان خودداری ورزیدند. در برابر اعتراضات و مراجعات کارگران می گفتند، دستمزد ماهانه پس از بازگشت مدیر عامل شرکت از مسافرت پرداخت خواهد شد. اما کارگران به طور جمعی دست به اقدام زده و با اقدامات پیکر در اواسط مهرماه موفق به دریافت حقوق شهریورماه گردیدند.

پرسنل ارتش در برابر رژیم

دزفول - پرسنل نیروهای مسلح با وجود همه تضییقات موجود هیچ فرصتی را برای ابراز انزجار نسبت به جنگ و رژیم جمهوری اسلامی از دست نمی دهند. در پایگاه وحدتی دزفول، سربازان، درجه داران، همافران و افسران از حضور در کلاس های عقیدتی - سیاسی خودداری می کنند. عدم حضور در این کلاسها که به رغم بخشنامه های اکید فرماندهان صورت می گیرد، شکل آشکارمقابله با رژیم است. در این کلاسها مسئولین دوایر سیاسی - ایدئولوژیک و دیگر منافعین رژیم، به تبلیغ پیرامون امر جنگی می پردازند.

این شکل مقابله، بتدریج به حرکتی فراگیر و پر نمود در این پایگاه بدل گردید و مسئولین راه راسان ساخت. از اینرو در پانزدهم مهرماه طی بخشنامه ای به پرسنل پایگاه اخطار کردند که عدم شرکت در این کلاسها منجر به تنبیه، ندادن ارتقا، درجه و کاهش حقوق خواهد گردید. اما این تهدید نتیجه دلخواه مقامات را ببار نیاورد و همچنان گروه کثیری از نظامیان از شرکت در کلاسها اجتناب می کنند.

چند نمونه از تضییقات علیه کارگران

اهواز - در راه آهن اهواز طی بخشنامه ای به تاریخ ۱۲ مهرماه به کارگران راه آهن ابلاغ شده است که باتوجه به شرایط جنگی و فقدان بودجه کافی، از این پس به کارگران راه آهن حق اضافه کاری تعلق نخواهد گرفت. این امر باعث می شود که از حقوق ماهانه کارگران و کارمندان ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان کاسته شود.

وزارت صنایع و معادن در بخشنامه ای خطاب به صنایع فولاد ملی ایران خواستار شده است که طرح اخراج موقت (سالی دو ماه) کارگران مازاد بر نیاز را به اجرا در آورند. "کارگران مازاد بر نیاز" اصطلاحی است که مسئولین در مورد عر کارگری که بخواهند از کار بیکار نمایند بکار می برند.

بندر خمینی - کار در اسکله های این بندر متوقف شده است. اما کارگران هر روزه در محل کار حضور بهم می رسانند. مسئولین از پرداخت بخشی از دستمزد ماهانه آن خودداری می کنند. اکنون به هر یک از آنان فقط ماهانه ۲۵۰۰ تومان دستمزد می دهند.

مسجد سلیمان - پروژه بزرگ خانه سازی مسجد سلیمان در شرف تحلیل است. سرپرست پروژه قصد دارد ۸۵ تن از کارگران را اخراج نماید.

نفت صادر می کنیم" او با بر شردن مخالفت های کارگران به تهدید کارگرانی که از ادامه کار در جزیره سرباز می زنند، پرداخته و گفت پاسداران مخالفت این دسته از کارگران را سرکوب خواهند کرد.

این اراجیف و این گونه تهدیدات به نتایجی کاملاً خلاف انتظار مسئولین انجامید. کارگران نفت، این مبارزان دلیر و سرسخت، واکنش تنیدی نشان دادند و در پی آن درگیری پدید آمد که طی آن تولاوی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. کارگران که از یوايه کوشی های او بشدت برآشفته شده بودند، او را کشان کشان بروی اسکله کشاندند. پاسداران به زحمت توانستند او را از دست کارگران و از غرق شدن در دریانجات دهند.

اکنون مبارزه کارگران در جزیره خارک به منظور دستیابی به مطالبات صنفی با مبارزه در راه استقرار صلح گره خورده است و این مبارزه ادامه دارد. در حمایت از این مبارزه فدائیان خلق در خوزستان اعلامیه ای صادر و در سطح استان پخش کردند. کلیشه بخشی از این اعلامیه در شماره قبل چاپ شده بود.

فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات چهار ساله شد

نخستین رهبر فدراسیون، خانم اوژنی کاتن بود که تا هنگام درگذشتش در سال ۱۹۶۷، بیشترین نقش و مسئولیت را در رهبری فدراسیون عهده‌دار بود.

ف. ب. ز. د. در برگزاری چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن، چهلمین سالگرد تأسیس سازمان ملل، برگزاری کنفرانس بین‌المللی زنان در نایروبی، برگزاری هفتاد و پنجمین سالگرد هشتم مارس به عنوان روز جهانی زن (در سالمرکز کلاراتستگین زن قهرمان سوسیالیست آلمانی) نقش حیاتی ایفا نموده است.

طی چهار سال، جهان شاهد دگرگونیهای مهمی بوده است. بسیاری از مستعمرات سابق، استقلال خود را کسب کرده و زنان جهان، در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند.

در سایه ایجاد سیستم اجتماعی سوسیالیسم، زندگی زنان جهان در عرصه تغییر یافته است. زنان در بسیاری از موارد با مردان حقوق برابر کسب کرده‌اند. اما بشر هنوز با مشکلات بسیاری مواجه است.

...خطر جنگ هسته‌ای زندگی بشر را تهدید می‌کند. ایالات متحده آمریکا در صدد اجرای برنامه‌ای برای نظامی کردن فضا و مخاطرات ناشی از این اقدام، بطور جدی زندگی و سرنوشت جهان را مورد تهدید قرار داده است.

امروز ف. ب. ز. د. و سازمانهای ملی وابسته به آن، در امر بسیج زنان علیه خطرات فوق، فعالانه شرکت دارند. پیش از این، زنان مرکز چنین نقش مهمی در جنبش صلح ایفا نکرده بودند. به عنوان نمونه، می‌توان از گروه زنان گرینهام کامن (محل استقرار موشکهای کروز در بریتانیا که ماهها در محاصره زنان مبارز قرار داشت) و... نام برد.

... مبارزه علیه استعمار، افراطی‌گری راست، تبعیض نژادی و فاشیسم مورد توجه همه کنفرانسها و گردهمایی‌های ف. ب. ز. د. بوده است. همیستکی با جنبش‌های آزادیبخش از اقدامات عاجل فدراسیون در مقاطع مختلف است.

... زنان کشورهای مختلف، قدردانی خود را از مبارزات ف. ب. ز. د. در موارد بسیاری اعلام نموده‌اند. برخی از آنان، بیان داشته‌اند که چگونه هنگامی که در زندانها اسیر بوده‌اند، اعلام حمایت و نیز اقدامات ما برای آزادی آنان،

خطر بوده است. اقدامات مادرجهت بسیج زنانی که بیشترین سهم را در جمع‌آوری امضا برای تشکیل کنفرانسهای اول و دوم صلح در استکهلم داشتند، از افتخارات ماست. امروز، پیوسته بر شمارزنانی که به خطر جنگ هسته‌ای واقف گردیده‌اند افزوده می‌شود. آنها نیک می‌دانند که هزینه‌های تسلیحاتی، می‌تواند و باید صرف ریشه‌کن کردن کرسنکی، بیماری و بیسوادی شود...

در سال ۱۹۶۵، ف. ب. ز. د. از ۴۲ سازمان ملی زنان تشکیل شد. این تعداد تا سال ۱۹۸۵ به ۱۲۵ سازمان افزایش یافته است... ارگان فدراسیون، مجله "زنان جهان" در حال حاضر به شش زبان اصلی جهان منتشر می‌گردد و رسالت شناساندن هر چه بیشتر ف. ب. ز. د. به جهانیان را برعهده دارند.

لازم را نشان داده و از امر صلح و مبارزات ملتها در جهت استقلال و احقاق حقوق خود پشتیبانی نموده‌ایم. ما کوشیده‌ایم دردل زنان جهان، امید به پیروزی را زنده نگه داریم تا در راه اهدافشان لحظه‌ای از پا ننشینند.

فدراسیون، صرفا به اعلام پشتیبانی از اهداف فوق اکتفا نکرده، بلکه عللا در سازماندهی و آموزش زنان سراسر جهان جهت شرکت فعال در مبارزه، کوشیده است.

ف. ب. ز. د. حفظ صلح جهانی را محور همه فعالیت‌های خود می‌داند. ما از پشتیبانان فعال برگزاری کنفره جهانی صلح بودیم که در سال ۱۹۶۹، به تشکیل شورای جهانی صلح انجامید. هدف ما، همواره آگاه‌ساختن جهانیان از خطر جنگ هسته‌ای و هماهنگی مبارزات ملی زنان در راه محو این

اول دسامبر (دهم آذر) امسال، پهل سال از بنیانگذاری "فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات" گذشت. بدین مناسبت، ترجمه بخشهایی از مقاله "۴۰ سال مبارزه و تلاش پیگیر" نوشته خانم "فردا براون" رئیس فدراسیون، مندرج در مجله "زنان جهان" ارگان این سازمان جهانی را درج می‌کنیم.

فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات (ف. ب. ز. د.) طی چهار دهه، مبارزه زنان سراسر جهان را برای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و تحقق صلحی پایدار، رهبری کرده است.

ف. ب. ز. د. طی عمر چهار ساله‌اش شاهد برگزاری هشت کنفره بوده است. مصوبات این کنفره‌ها، همگی در جهت بسیج زنان برای مبارزه پیگیر در راه احقاق حقوقشان بوده‌اند. نگاهی به گوشه‌ای از نتایج کار این کنفره‌ها، بیانگر اهمیت کار فدراسیون است.

کنفره موس، منعقد در دسامبر ۱۹۶۵ در پاریس، در شرایطی تشکیل شد که جنگ جهانی دوم به پایان رسیده بود و بررسی راههای برون رفت از مشکلات پس از جنگ در دستور کار قرار داشت.

در میان شرکت کنندگان در کنفره و امضا کنندگان فراخوان پایانی آن، رهبران جنبش مقاومت ضد فاشیستی حضور داشتند. بسیاری از آنان، همسران، فرزندان و برخی، کلیه افراد خانواده خود را طی جنگ خانمانسوز از دست داده بودند. آنها شاهد ویرانی میهن، بمباران خانه‌هایشان و شکنجه و قتل عام مردشان بودند.

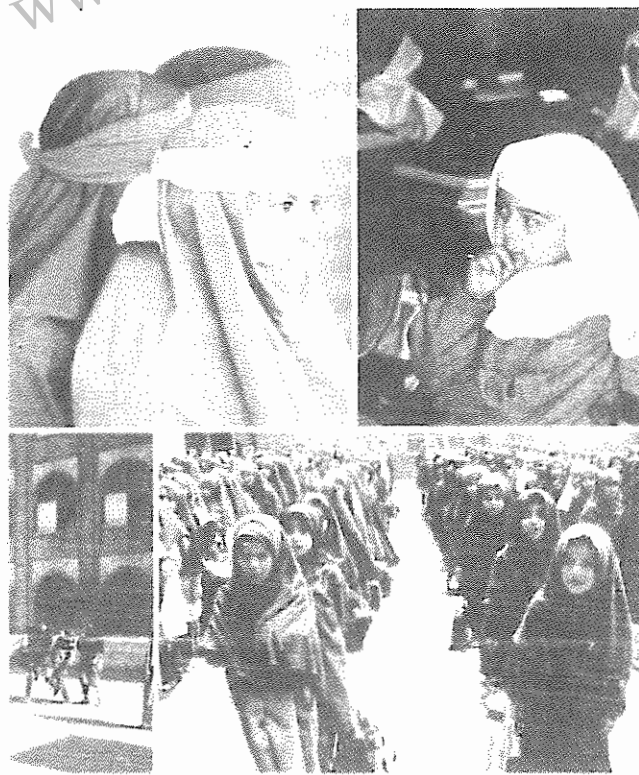
نمایندگان کنفره، باعزم راسخ به مبارزه پیگیر برای حفظ صلح، حمایت از جنبش‌های رهایی بخش ملی و پشتیبانی فعال از مبارزات زنان سراسر جهان و هماهنگی این مبارزات، در این گردهمایی شرکت جستند. کنفره، به زنان سراسر جهان اعلام نمود شرط تحقق این آرمانها، مبارزه فعال در این راه از سوی زنان است. کنفره اعلام نمود حل مسائل و مشکلاتی که زنان جهان با آن روبرو هستند، درگرو مبارزه در راه صلح، آزادی، دمکراسی و استقلال ملی است.

در طول چهار سال، فدراسیون ما بدون وقفه برای تحقق اهداف فوق فعالانه کوشیده است. مادر موردهم به‌عنوانهای جهانی، بلافاصله واکنش

مقنعه سیاه بر چهره معصوم کودکان

سرشان بر می‌داشتند و بعد آنها را همراه خود می‌بردند. این منظره از یک طرف نشان می‌داد که سران جمهوری اسلامی حتی به این بچه‌های کوچک هم رحم نمی‌کنند و از سوی دیگر مخالفت مردم را با حجاب اجباری بیان می‌کرد.

"مقنعه برای همه مدارس ابتدایی دخترانه هم اجباری شده است. منظره این مدارس پس از تعطیلی در آغاز سال تحصیلی بود. مادرانی که برای بردن بچه‌هایشان می‌آمدند، از آنجایی که هوا گرم بود، اول مقنعه‌های این کوچولوها را از



زندگی و پیکار زنان ایران از دیدگاه مطبوعات جهان

خمینی مخترع آن هستند بهانه‌ای برای ایراد فشار ممتد به زنان است. رژیم از طریق اجبار زنان به رعایت آنچه "حجاب اسلامی" خوانده میشود، در زندگی خصوصی مردم نیز دخالت میکنند و سایه سرکوب عمومی خود را بر سر همه زنان از کوچک تا بزرگ، جوان تا پیر می‌اندازد.

دویچه فولکس تستایونک مینویسد: "بر خلاف ادعای شخص خمینی، حجاب اجباری بیماری اجتماعی فحشا را که مولود فقر و بیعدالتی است از بین نبرد... درست بر عکس، قوانین توهین آمیز و ارتجاعی رژیم به فحشا در مقیاس وسیعی دامن زده است. در این رابطه میتوان از امکان صیغه یا "ازدواج با محدودیت زمانی" نام برد."

دویچه فولکس تستایونک سپس به توضیح رنج و درد مادران ایرانی که فرزندان را در جبهه‌های جنگ ضد خلقی خلیج از دست داده‌اند میپردازد و مینویسد: "برخی از مادران مجبورند تا ۱۶ ساعت در روز کار کنند تا بتوانند مخارج فرزندان را که از معرفی خود به مراکز بسیج نیروی نظامی ایران و نظام وظیفه ایران خودداری کرده، و یا از جبهه‌ها فرار کرده‌اند، بپردازند."

در باره وضعیت زنان ایران در زندان‌های مخوف رژیم جمهوری اسلامی، دویچه فولکس تستایونک مینویسد: "در سیاهچال‌های این رژیم از دختران جوان ۱۲ ساله تا زنان مسن ۷۰ ساله هزاران تن زندانی‌اند و زجر میکنند. تعداد زنان زندانی در جمهوری اسلامی بیش از دیگر کشورهای جهان است، در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق آنان تنها به جرم خواندن اعلامیه و فعالیت صرفا سیاسی در گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های مخالف رژیم دستگیر شده‌اند... بیش از هزار تن از زنان مخالف رژیم تیرباران شده و بیش از اعدام توسط پاسداران جنایتکار این رژیم خونریز مورد تجاوز قرار گرفته‌اند."

اکثریت زنان ایران از حاکمیت رژیم خمینی رنج می‌برند و مخالف آنند. پیشرترین آنان فعالان در جنبش اپوزیسیون سپیم‌اند و همواره به طور خستگی‌ناپذیر در راه تأمین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود خواهند رژیم..."

هفته نامه دمکراتیک و ضد فاشیستی دویچه فولکس تستایونک دی‌نات چاپ آلمان فدرال اخیرا دریکی از شماره‌های خود، گزارشی در باره شرایط زندگی زنان ایران منتشر کرده است که در ذیل رئوس آنرا نقل می‌کنیم.

"دویچه فولکس تستایونک" مینویسد: "در ایران رژیم قرون وسطایی حاکم، تمام امیدهای زنان را که فعالان در انقلاب سال ۱۹۷۹ شرکت داشتند، به برابری حقوق و تضمین موقعیت شایسته حقوقی و اجتماعی تبدیل به یاس کرده است... انقلاب ایران مفت سال پیش نشان داده بود که توده زنان ایران از سطح آگاهی بالایی برخوردارند و برای تعیین سرنوشت خود، حاضرند پا به میدان مبارزه گذاشته و جان ببازند... اکنون رژیم جمهوری اسلامی از طرق مختلف در صدد خارج کردن زنان ایران از میدان زندگی فعال اجتماعی و کار و فرستادن آنها به پستوی خانه‌هاست."

"دویچه فولکس تستایونک" سپس به تشریح وضع بازار کار در ایران بزرگان زده میپردازد و مینویسد: "زنان به بهانه‌های مختلف از محل کار خود اخراج میشوند. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به عنوان نمایندگان صنفی در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدمات از آنان سلب شده است."

در ادامه آمده است: "بسیاری از زنان جرات استفاده از حقوقی که روی کاغذ از آن برخوردارند را ندارند، مثلا از بیم اخراج، از تقاضای اعطای مرخصی زایمان که برایشان اهمیت حیاتی دارد، خودداری میکنند."

دویچه فولکس تستایونک به توضیح در باره "بنیان حقوقی" سرکوب و تحقیر زنان ایران میپردازد و در باره ماده ۲۲ قانون قصاص مینویسد: "این باور کردنی نیست که شهادت چندین زن، مثلا در مورد اینکه مردی مرتکب قتل شده است در برابر ادعای هر چند دروغین یک مرد تنها اعتبار ندارد و باعث محکومیت متهم نمی‌گردد."

دویچه فولکس تستایونک سپس در باره "حجاب اجباری" برای زنان ایران مینویسد: "حجاب باصطلاح اسلامی که حکام تاریک اندیش رژیم

قلاش رژیم برای حذف زنان از کارهای تولیدی

راحت است. ولی به حرف ما گوش ندادند. ما این کار را بلد نبودیم. من "آسم" دارم و اصلا کار کردن بانگ قالی به علت پُری که از آن جدا می‌شود، برایم خوب نیست. این را می‌شود از هر دکتری پرسید... همه را بزور به اینجا آوردند... نمی‌توانیم زیاد حرف بزنیم چون راحت بیرونمان می‌کنند."

مدیر کارخانه، با وقاحت تمام، هدف از ایجاد کارگاه قالیبافی را این ذکر می‌کند که "خانما را از محیطی که آقایان هستند، جدا بکنیم... ما که نمی‌توانیم ۱۵۰ کارگر زن را یک دفعه بیرون کنیم! ما ۱۵۰ نفر کارگر زن داریم. از این عده ۲۰ نفرشان را توانستیم به کارگاه قالیبافی بیاوریم، ۴ نفر را به شیر خوارگاه فرستادیم و ۲ نفر دیگر را هم توانستیم جای دیگر بفرستیم." وی در پاسخ این سؤال که "جابجایی به میل خود این کارگران بوده؟" می‌گوید: "به دستور ما بوده. چه هر حال ما مدیر کارخانه هستیم و دستور می‌دهیم که اینجوری باید کار بشود." (!)

اما زنان کارگر، در برابر ستم لجام گسیخته مدیران و تصمیمات ارتجاعی‌شان سر فرود نمی‌آورند. آنان از یک سو، دوشادوش برادران طبقاتی خود علیه رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی و برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌رزمند و از سوی دیگر، در مقابل اجحافات ضد زنان، ایستادگی می‌کنند.

باشند، از مبارزات مردم جهان در برقراری صلح حمایت نموده و خود نیز در پیشبرد آن نقش بسزایی را عهده‌دار باشند.

ما با امید به آینده، به زنان جوانی می‌تکریم که با اطمینان، در تلاش برای تحقق مصوبات کنگره سال ۱۹۴۵، لحظه‌ای از پا ننشسته و در جلب حمایت هر چه بیشتر زنان سراسر جهان برای شرکت فعال در کار سازمانهای وابسته به فدراسیون، سیمانه همت خود را به کار گرفته‌اند. ایمان داریم تلاش آنان به ثمر نشسته و اهداف ما تحقق خواهند یافت.

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، از هیچ کوششی برای حذف هر چه بیشتر زنان از عرصه‌های فعالیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فروگذار نمی‌کند. رژیم تاریک اندیش خمینی از همه بهانه‌ها برای خانه نشین کردن زنان، یا حداقل جدا کردنشان از جریان کارهای تولیدی تا حد ممکن، بهره می‌جوید. نمونه‌ای که اخیرا در مجله "زن روز" بازتاب یافته مشتی از خروار است.

خود این مجله می‌نویسد مدیران کارخانجات می‌کوشند "فرصتهای شغلی در تمام رشته‌های تولید اقتصادی از زنان گرفته شود و آنها فقط و فقط در رشته‌های معدودی مانند خیاطی و قالیبافی امکان اشتغال بیابند. رشته‌هایی که نقش چندانی در تولید اقتصادی کشور ندارند. مدیرانی که در کارخانه‌های خود اینگونه با زنان کارگر برخورد می‌کنند، می‌گویند: می‌خواهیم تمام زنان کارگر را از همه سالنهای مختلف تولیدی جمع کرده و در کارگاههای تولیدی پوشاک، خیاطی و قالیبافی بکار بگیریم."

در کارخانه چیت سازی، یک کارگاه قالیبافی دستی ایجاد کرده‌اند که از پیش از یک سال پیش، ۲۰ کارگر زن در آن به قالیبافی مشغولند. اکثر آنها در مصاحبه با خبرنگار، علیه این زور کوبی اعتراض کرده‌اند. یکی از زنان را که از کنار ماشین بافندگی به پای دار قالیبافی آورده‌اند می‌گوید: "ما را بزور به اینجا آورده‌اند. به آنها گفتیم که کارمان

به ایشان قدرت بیشتری برای ادامه مبارزه داده است...

مطالبات زنان در جهت کسب آزادیهای هر چه بیشتر، از اساسی‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری ف. ب. ز. د. بود. مبارزات زنان برای آزادی، بستگی تام با مبارزات ملت‌ها علیه ستم ملی دارد و در این زمینه، نقش زنان را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. آنها به عنوان نیروی محرکه این مبارزات، و زنه سنگینی در جهان به شامی آیند.

زنان بطور گسترده برآیند، ضمن رشد شخصیت خود، فعالان در زندگی سیاسی ملت‌هایشان شرکت داشته

اخاذی و فریبکاری

رژیم جمهوری اسلامی نفرت انگیزی است، هم از نظر مضمون سیاستهایی که پیش می‌برد و هم از نظر شیوه‌هایی که برای تحمیل سیاستهای ضد مردمی خودپیش می‌گیرد. دو نمونه از این شیوه‌ها را که در یک کارخانه پیش آمده است، ذکر می‌کنیم:

در تاریخ ۲۲ مرداد امسال کارگران کارخانه پارچه‌بافی کشمیر حق افزایش تولید چند ماهه خود را دریافت کردند. به محض وصول مبلغ مربوطه، انجمن اسلامی از کارگران خواست که مقداری از دریافتی‌های خود را برای کمک به جنگ اختصاص دهند. کارگران بسیار خشمگین شدند، هم به جهت این فرصت طلبی انجمن اسلامی و هم به جهت این که از جنگ بیزارند و باصللاح کمک به جبهه را یک اخاذی می‌دانند. انجمن اسلامی وقتی دید روضه‌خوانی و فریبکاری بی‌حاصل است، به تهدید رو آورد و مشخصاً برای کارگران خط و نشان کشید. بعضی‌ها از ترس پرونده سازی و اخراج، با اکراه و نفرت تمام، مقداری پول چلوی این سرگردنه گیرها گذاشتند. بعد از این جریان نفرت از انجمن اسلامی و اخاذی برای جنگ، اوج بیشتری یافت.

اما از مدیریت کارخانه بگوییم که انجمن اسلامی‌چی‌ها عوامل آن محسوب می‌شوند. اخیراً در قسمت "دولت‌آباد" کارخانه کشمیر، کارگران در اعتراض به سخت گیریهای سرپرست قسمت، دست به اعتصاب زدند.

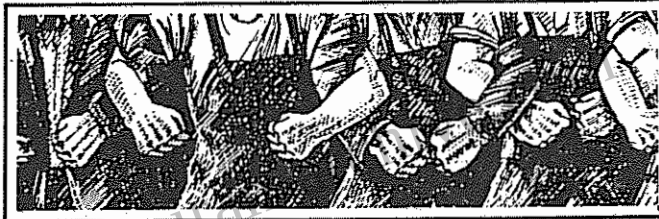
کارگران اعتصابی سراغ مدیر کارخانه رفتند و خواهان آن شدند که نماینده وزارت کار به جمع آنها بیاید و از نزدیک شکایاتشان را بررسی کند. روز بعد یک نفر به عنوان نماینده وزارت کار به میان کارگران آمد، مثلاً شکایت آنها را شنید، عده‌ای از آنان را شناسایی کرد و دست آخر حکم داد که همه بروند سرکارشان! هفته بعد کارگران معترض به وزارت کار سر زدند تا شکایاتشان را بی‌پکیزند. در آنجا معلوم شد که وزارت کار کسی را به عنوان نماینده به کارخانه نفرستاده و آن نماینده قلابی یکی از عوامل مدیریت بوده است. با این که اگر چنین نماینده‌ای هم می‌آمد، وضع فرق نمی‌کرد اما این فریبکاری آقای مدیر به شدت خشم و نفرت کارگران را برانگیخت.

گرسنگی برای کارگران، لقمه‌های چرب برای مقاطعه‌کاران

بسیاری از کارگران بر اثر نیافتن کار به بد آب و هواترین نقاط کشور رو می‌آورند ولی در آنجا نیز آتش همان است و کاسه همان. از جمله نقاطی که قبلاً مقدار اندکی از نیروی کار را جذب می‌کرد جزایر جنوب بود. اما اکنون در این جزایر نیز نمی‌توان کاری دست و پا کرد. بودجه عمرانی جزایر جنوب به دلیل تداوم جنگ از حدود ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۶۲ به حدود ۶۰ میلیون تومان در سال جاری تقلیل یافته است نتیجتاً پروژه شهرک سازی در جزایر هرمز، تنب بزرگ و ابوموسی تعطیل شده و حجم دیگر برنامه‌های در جریان به شدت کاهش یافته است.

سرمایه‌داران و عوامل رژیم برای آنچه که باقی مانده است چنان کیسه‌های کشادی دوخته‌اند که حتی از پرداختن یک دستمزد بخور و نمیر به کارگران آن شاغل در پروژه‌های در دست

انجام، ابا دارند. به عنوان نمونه در جزیره ابوموسی حدود ۴۰۰ کارگر شاغل هستند. اکثر آنها از غرب کشور و نیز بلوچستان به این جزیره آورده شده‌اند. به آنها برای کار در شرایط طاقت فرسای این جزایر فقط بین ۱۱ تا ۱۴۰ تومان می‌دهند. آنها از هر گونه حق و حقوقی بی‌بهره‌اند. از آنها حتی حق خروج از این جزایر نیز سلب شده است. کارگران هر سه ماه یکبار مجازند برای دیدن زن و فرزند، این جزایر را ترک کنند. کارگران در دسته‌های شش نفره و هشت نفره در قسمت انبار یک ساختمان مسکن دارند. محل سکونت کارگران فاقد هر گونه وسایل زیستی است. اتاقهای این انبار فاقد پنجره می‌باشند. وضعیت بهداشتی وحشتناک است. ساختمان، توالت و حمام ندارد. در هوای شرجی جزیره برای کارگران از تهویه و کولر هم که طبیعتاً نباید حرفی زد.



مسئولین رژیم: با کارگران...

بقیه از صفحه ۱) دیده‌ایم. هیچ کدام فایده‌ای نداشته‌اند! ما تسلیم باج خواهی شما نخواهیم شد! مگر بیادتان رفته است بر سر کارگران اعتصابی شرکت ساسان چه بلایی آوردیم؟"

اعتصاب کارگران کارخانه کاشی سازی پارس قزوین، به لحاظ نمونه‌وار بودن خود از نظر شیوه برخورد رژیم با جنبش کارگری جای تامل دارد. اعتصاب در این کارخانه در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل صورت گرفت. روز اول مرداد ماه قسمت توزیع در شیفت بعد از ظهر دست از کار کشید. اعتصاب بقیه قسمت‌ها را نیز در بر گرفت. ابتدا کارگران شیفت شب و بعد کارگران شیفت صبح اعتراض خود را آغاز کردند.

مسئولین رژیم در منطقه یکی دو روز اول نسبت به اعتصاب حالت بی‌اعتنایی گرفتند. با این امید که عواملشان خاصه انجمن اسلامی بتوانند اعتصاب را از درون فرو بنشانند. سپس کار به خدعه و فریب کشید. روضه‌خوانی‌های همیشگی تکرار

سرمایه‌دارانی که چنین کارگران را استثمار می‌کنند، اکثر آنها دور قاب چین‌های رژیمند. به عنوان نمونه شخصی به نام تفته که مسئولیت کلیه سنگ شکن‌های جزایر را به عهده دارد، از نزدیکان سران رژیم است و یا پروژه شهرک صیادان ابوموسی به برادران شفیع و اکدار شده که از نزدیکان موسوی نخست وزیر می‌باشند. این نو کیسه‌های حریص همانند یک دشمن خارجی هستند که بر کشوری مسلط شده باشند، می‌خواهند تا جایی که ممکن است و تا جایی که فرصت باقی است بچاپند و غارت کنند. بیهوده نیست که دزدی و رشوه خواری بر سر پروژه‌های جزایر جنوب به شدت رواج دارد. بر سر پروژه ترمینال بزرگ بندر عباس، پیمانکار فقط به معاون استانداری هرمزگان دو میلیون تومان رشوه داده و حالا تمامی تیر آهن سفارش می‌دهد و در بازار سیاه با سودهای سرسام‌آور به فروش می‌رساند. در جزایر، پیمانکاران طرح‌های ساختمانی، ابتدا برای عوامل رژیم یک واحد مسکونی می‌سازند تا با این رشوه آنها راضی کنند و بعد خودشان دزدی‌ها و غارتگری‌هایشان را پیش می‌برند. آری، در جمهوری اسلامی نصیب کارگران گرسنگی است و نصیب سرمایه‌داران لقمه‌های چرب بی‌حساب.

بیشتری بی گرفته شد. سپاه عوامل خود را در قسمت توزیع به کارگذاشت و در گوشه و کنار کارخانه پاداران را در لباس معمولی و به عنوان کارگر، مأمور کنترل و نیز اعتصاب شکنی نمود. این شیوه‌ها نیز که موثر واقع نشد آخوند سابق الذکر مأمور گردید به کارخانه آمده و با کارگران اعتصابی "اتمام حجت" کند. معنی حرفهای او روشن بود: یا گلوله و یا شکستن اعتصاب! اعتصاب را این "اتمام حجت" خاتمه نداد. رژیم قاطعیت کارگران را دیده بود و ناچار اندکی کوتاه آمد. کارگران از این موضوع درسهای بسیاری آموختند. نباید از توپ و تشر رژیم ترسید. در سرکوبگری و وحشی گری رژیم جای کوچکترین شکی نیست. اما تفنگی که به جا و نابجا یکریز شلیک کند، داغ خواهد کرد و خود مساله ساز خواهد شد. اتحاد و آگاهی کارگران، سلاحی بسیار نیرومندتر از فریب و سرکوب است. کارگران کارخانه کاشی سازی پارس در عمل به این موضوع واقف گشته‌اند. همه حرکت‌های اعتراضی این موضوع را برای کارگران اثبات می‌کند.

شد. از جمله یکی از مدیران سازمان صنایع ملی - که کارخانه کاشی سازی پارس زیر پوشش آن محسوب می‌شود - به کارخانه آمد تا با فریبکاری و چرب‌زبانی کارگران را به کار وادارد که موفق نشد. کارگران او را "هو" کردند و خدعه‌هایش را در برابر خودش افشان نمودند.

هرزمان با توسل به سلاح نیرنگ، تدارک سرکوب نیز آغاز شد و آنکاه که نهادهای سرکوبگر رژیم بی بردند کارگران را نمی‌توان با وعده و وعید فریب داد، دستگیری و بی‌گردد کارگران را آغاز کردند و سپس به یک یورش علفی رو آوردند. روز ۷ مرداد سپاه پاسداران منطقه شهر صنعتی البرز قزوین به کارخانه حمله برد و ضمن ضرب و شتم کارگران اعتصابی، ۵ نفر از آنان را دستگیر کرد. دستگیرشدگان به شدت تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند به حدی که یک نفر از آنان ناحیه راست قفسه سینه‌اش، شکست. روز بعد یورش تکرار شد. مجدداً دو نفر دستگیر شدند.

بعد از این سرکوب‌گری‌ها بار دیگر سلاح فریب آزموده شد که باز هم کارگر نیفتاد. سرکوب با شدت

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

تمامی مصوبات هیات دولت باید به مجلس گزارش شود

طرح "اطلاع مجلس از مصوبات هیات وزیران" از سوی کمیسیون تدوین آئین نامه داخلی مجلس، به مجلس ارائه شد. بر اساس ماده واحده این طرح "هیات وزیران مکلف است هر مصوبه و تصویب نامه را بلافاصله از طریق کمیسیونها به اطلاع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برساند." پیرامون این طرح در مجلس بحث و گفتگو صورت گرفت، موافقین مطرح می کردند که مجلس باید در جریان امور دولت باشد و "اینطور نباشد که مجلس در مقابل کار انجام شده قرار بگیرد و بعد هم هر چه تقلا بکند فایده ای نباشد." و مخالفین نیز از دولت و استقلال آن حمایت می کردند. یکی از نمایندگان در مخالفت با این طرح گفت: "مجلس که اینهمه کار دارد حال بیاید بجای دولت هم بنشیند و بشود یک دولت، یعنی آقایان در آنجا کوش بزنند بشوند که مجلس چه می گوید و دنبال آن بروند. یعنی سلب اختیارات به تمام معنی از اعضای دولت است."

لازم به یادآوری است که اجتناب از "دولت سالاری" که مضمون سخنان موافقین طرح بود از جمله محورهای تبلیغی خامنه ای رئیس جمهور در ماههای گذشته بوده است. این طرح با دوسوم آرای نمایندگان مجلس به تصویب رسید.

سفر هیات پارلمانی فرانسه به ایران

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که یک هیات پارلمانی فرانسه متشکل از نمایندگان احزاب مخالف حزب حاکم فرانسه که از مدتی پیش برای ملاقات با مسئولین جمهوری اسلامی و بهبود مناسبات دو کشور، اظهار تمایل کرده بودند، به ایران مسافرت خواهند کرد. در این اطلاعیه آمده است که کمیسیون روابط خارجی مجلس با آنکه از این هیات دعوتی بعمل نیآورده است ولی با انجام این مسافرت مخالفتی ندارد. این در حالی است که روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه در تاریخ ۲۹ نوامبر

اعلام کرده بود هیات مزبور بنا به دعوت رفسنجانی به ایران اعزام خواهند شد. موضوع مذاکره طرفین، بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور و از جمله مذاکره بر سر مسئله "ارودیف" و دعوی یک میلیارد دلاری ایران از فرانسه خواهد بود. این روزنامه نوشت که هیات پارلمانی فرانسه متشکل از دو سناتور و دو نماینده مجلس این کشور می باشد و ریاست آنرا "ژان ماری دایه" برعهده دارد. اعضای این هیات از مسئولین دو حزب دست راستی فرانسه یعنی حزب ژیسکار دستن و ژاک شیراک می باشند.

عملیات گسترده نظامی

ژاندارمری در بلوچستان

کمی پس از اعلام خبر کشته شدن ۱۶ نفر ژاندارم در ماه گذشته در بلوچستان، سهرابی فرمانده ژاندارمری کل کشور در مصاحبه ادعا کرد که دو گروه از قاچاقچیان بین المللی در نواحی جنوب شرقی کشور سرکوب شده اند. او افزود که دهپاتن از قاچاقچیان کشته شده و ۹۰ تن به اسارت درآمده و مقدار زیادی سلاح و خودرو از آنان ضبط گردیده است.

لازم به یادآوری است که در گذشته یکرat نفرات ارگانهای سرکوب، با یورش به محل سکونت عشایر بلوچ و روستاهای این منطقه، پس از قتل و ضرب و شتم اهالی، اقدام به دستگیری دستجمعی آنان می کردند و پس از انتساب اتهام قاچاقچیکری، آنان را به زندان افکنده و برای خود دست به تبلیغات می زدند. یکی از موارد آن دو سال گذشته پس از قتل چند پاسدار کميته صورت گرفته بود که پلی آن پاسداران حتی با هلی کوپتر و از آسمان، دهقانان زحمتکش روستاها را به گلوله بستند. در آن عملیات عده ای زیادی از دهقانان به قتل رسیدند.

سهرابی در همین مصاحبه به فعالیت "گشت جندالله" پرداخت و گفت: "با همکاری ۲۲۱ تیم گشت جندالله، در هشت ماه اول سال جاری ۷۲۰ کیلوگرم تریاک، ۹۴۷ کیلوگرم هروئین و ۵۸۴ کیلوگرم حشیش کشف شده که ۲۹۰۷ نفر در این رابطه بازداشت شده اند." بنا به نظر کارشناسان این حجم مواد مخدر مشکوفه، ملاکی برای محاسبه نسبی حجم انبوه مواد مخدري است که در سطح کشور توزیع و توسط معتادان مصرف می شود.

اخبار کوتاه

* اداره وظیفه عمومی برای تامین نیازهای انسانی جبهه و یافتن مشمولین فراری، به کارفرمایان و صاحبان کلیه کارگاهها و موسسات خصوصی و کسبه اخطار کرد که ظرف یک هفته به اشتغال مشمولین غایب از خدمت خاتمه داده و آنها را به این اداره معرفی کنند. اداره وظیفه عمومی اعلام کرد که کلیه اماکن بوسیله اداره عمومی بازرسی خواهد شد و اگر چنانچه کارفرمایی برخلاف اخطاریه فوق عمل کرده باشد، علاوه بر مجازات های معمول، کارگاه و موسسه اش نیز تعطیل خواهد شد.

* شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور خامنه ای تشکیل جلسه داد. موضوع جلسه بررسی وضعیت دانشجوین تعلیمی بود که بنا به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی "برای دانشگاههای کشور مشکلاتی ایجاد کرده اند"؛ بر اساس تصمیم این جلسه وزارت اطلاعات مکلف شد تا نسبت به این دانشجوین تحقیق نماید.

* نخست وزیر در ملاقات با اعضای هیات رئیس اتاق بازرگانی اظهار داشت که: "اتاق بازرگانی باید شکلی عمل کند که مورد اعتماد دولت قرار گیرد."

* تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه در ماه آینده به تهران سفر خواهد کرد. روابط اقتصادی و مبادلات تجاری سال آتی از جمله موارد مورد مذاکره، ارفین است. لازم به تذکر است که این دومین سفر اوزال به تهران می باشد. سفر گذشته وی دستاوردهای عظیمی برای ژنرالهای حاکم بر ترکیه به همراه داشت.

* نخست وزیر سوریه طی مسافرت خود به تهران با رئیس جمهور، رئیس مجلس و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد.

* دو درمانگاه دیگر از سوی وزارت بهداشت و درمان به بهانه پائین بودن سطح خدمات پزشکی، تعطیل شدند.

* ولایتی وزیر امور خارجه روزشنبه ۱۶ آذرماه عازم ریاض شد.

از میان نامه ها

از رنجی که می کشیم

از نامه یک کارگر:

"کارگران زندگی خود را به سختی می گذرانند. به علت گرانی سرسام آور، حقوق کارگران کفاف زندگی آنها را نمی دهد. آنها قادر به ادامه زندگی خود نیستند. مرتب اضافه کاری در قسمت هایی از کارخانه ها که جا برای اضافه کاری هست، کارگران روزی دو شیفت

(یعنی ۱۶ ساعت) کار می کنند. اگر ممکن بود بعضی ها به سه شیفت کار هم به دلیل بدبختی های شان راضی می شدند. مخصوصا کسانی که بچه زیاد دارند، حقوقشان ناچیز است و باید کرایه خانه هنگفتی بپردازند. کارگرانی که امکان اضافه کاری ندارند، برای تامین کسری درآمد خود ناچارند کارهایی مثل دستفروشی انجام دهند. آنهایی که کار دیگری برایشان وجود ندارد از قوت لایموت خودم مجبورند بزنند.

کرایه یک سرپناه و پرداختن اجاره آن واقعا برای همه مساله است.

اکثر کارگران بیشتر از نصف حقوقشان را بابت کرایه منزل می پردازند. آنهایی که تازه ازدواج کرده اند و یا یک بچه دارند، اکثرا اتاقي را در جنوب شهر اجاره می کنند که بابت آن بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان پول پیش می پردازند و حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان کرایه می دهند. خیلی از آنهایی که بچه زیاد دارند واقعا نمی توانند یک سرپناه پیدا کنند. کارگران زیادی را می شناسم که زن و بچه شان را به ده زادگاهشان فرستاده اند و هر چند ماه یکبار به آنها سر می زنند.

فقر و فلاکت امسال در نحوه

برخورد کارگران با تعطیلات تابستانی هم اثر گذاشت شروع تعطیلات تابستانی کارخانه نمی توانست کارگران را خوشحال کند. وقتی کارخانه تعطیل باشد اضافه کاری هم نیست و این مساله ساز است. کارگران می گفتند: در خانه که باشیم خرجمان زیاده تر می شود. ما که اهل مسافرت رفتن نیستیم. پیش زن و فرزند شرمیده می شویم. وقتی کارخانه دایر است به آنها می گوئیم می رویم سرکار، آنها هم اعتراض و توقعی ندارند. اما وقتی در خانه نشسته ایم، بلاخره آنها را باید یک جایی ببریم. اما بابت خالی چه کنیم؟...؟"

دوروی سکه ضد انقلاب

بعد از مقاومت از طرف هموطن عزیزان، نماینده مذکور او را با چاقو از ناحیه شکم مضروب نموده و موجب رسوایی برای سایر میهن دوستان مشروطه خواه گردیده است.

— اقدام به فروش سیکار قاچاق در دامنارک توسط یکی دیگر از نمایندگان.

البته هیچ کس تصور نخواهد کرد که این یکی آدم باشرقی بوده است که از کثافتخانه شورای سلطنت پایش را بیرون کشیده. او خود موضوع را کاملاً روشن ساخته است. از پیش پایانی استعفا نامه وی بر می آید که شورای مشروطیت دامنارک به او "بودجه" نداده و حتی ازدادن یک دوربین عکاسی و هزار دلار برای فعالیتهای سلطنت طلبانه به وی خودداری ورزیده است. او هم تصمیم گرفته است نگذارد دلارها را بقیه حریفان بالا بکشند و از همینرو پته آتان را روی آب ریخته است.

باند های درونی "شورای سلطنت طلب ها" نظر بیاندازیم. ما از این خود افشاگریها متن استعفا نامه یکی از اعضای شورای مشروطیت دامنارک به نام "ستروانیار دوم خلیان شاهپور شاهرخی صدر" را برگزیده ایم که به صورت اعلامیه ای در دامنارک پخش شده است.

این جناب شاهپور خان این مسائل را از جمله دلایل استعفا خود بر شمرده است:

"چاقو کشی و فحاشی توسط یکی از نمایندگان در جلسه شورا.

— برخورد خشونت آمیز از طرف دوتن از نمایندگان شورا که منجر به مضروب شدن یک ایرانی پناهنده در دامنارک که منجر به دخالت پلیس گردید.

— عدم صلاحیت اخلاقی یکی از نمایندگان که در منزل خود قصد تجاوز به هموطن پناهنده اش را نموده است و

مجلس شورای اسلامی در دنیا بیش از هر چیز به شورای مشروطیت شباهت دارد. اگر در آن مجلس دسته کشی است، در این یکی نیز هست. اگر در آنجا یک مشت بی شعور و سقیه لانه کرده اند، این یکی نیز مامن سفیهان است. اگر در آنجا گاه و بیگاه پته یکدیگر را روی آب می اندازند، در این یکی نیز خود افشاگری رواج وسیعی دارد و همه این مشابهتها بخاطر آن است که هر دو در برابر خلق قرار دارند و دوروی سکه ضد انقلاب، که یکی طرف بالاست و دیگری پائین است را تشکیل می دهند.

مجلس شورای اسلامی را همگان می شناسند. اما شورای مشروطیت شاید به دلیل تازه بودن خود به طور مشخص معرفی همه نباشد. برای این که این جریان مسخره را بشناسیم، نیاز زیادی به ارائه سند و مدرک نداریم. کافی است تنها به یکی از خود افشاگریهای

دردار الفنون را بستند

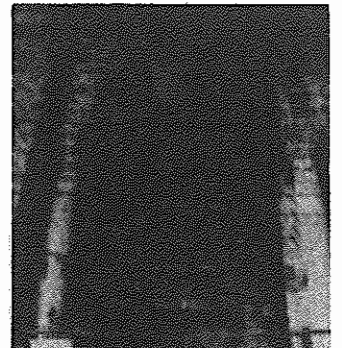
فقها بالاخره کینه شان را خالی کردند

فقها همواره با بعضی فراوان به دارالفنون می نگریسته اند. زمانی که امیرکبیر دارالفنون را تاسیس کرد، بقول میرزا صالح شیرازی "سلسله علیه ملها"، سخت بر آشفته شدند و در نژد ناصرالدین شاه قاجار به سختی به سعایت او پرداخته و در زمینه چینی قتل وی موثر بودند.

کاری که امیرکبیر آغاز کرد، بنا بر یک ضرورت تاریخی ادامه یافت و داد و هوای آخوندها برای جلوگیری از گشایش مدارس جدید، راه به جایی نبرد. می گویند در تبریز وقتی که اولین مدرسه به تقلید از دارالفنون افتتاح گردید، آخوندی بر بالای منبر رفت و به مردم گفت: ایها الناس، دین از دست رفت! می دانید که در این مدارس، ملحدین چه به فرزندانتان می آموزند؟ می دانید درس "سولفات دوپتاس" و "سولفات دوسود" یعنی چه؟ سولفات. دوپتاس یعنی خدا دوتاست و سولفات دوسود یعنی خدا اصلا نبود! چنین بود موضع و فریبکاریهای آخوندها در برابر دارالفنون و دیگر مدارس نوع جدید.

خود خمینی در این مورد چنین می گوید: "ابتدا مدرسه ای در جایی تاسیس کردند (منظورش دارالفنون است) و ما چیزی نگفتم و غفلت کردیم، امثال ما هم غفلت کردند که جلوی آنرا بگیرند و نگذارند اصلا تاسیس شود، کم کم زیاد شد و حالا ملاحظه می فرمایید که مبلغین آنها به تمام دهات و قصبات رفته اند و بچه های ما را نصرانی و بی دین می کنند" کتاب ولایت فقیه ص (۱)

با این توصیفات بستن دارالفنون به دلیل کینه سالیان دراز نباید تصبی برانگیزد. کیهان ۱۴ آبان خبر می دهد که معلمان و کارمندان و مستخدمان سابق دارالفنون در روز ۲۱ شهریور ماه اسامی درددارالفنون کرد آمده اند تا مجلس ختم آن را برگزار کنند.



از ان پیای گهن شاری

حکایتی چند از رساله دلگشای عبیدزاکانی

شخصی با دوستی گفت: "مرا چشم درد می کند. تدبیر چه باشد؟" گفت: "مرا پارسال دندان درد می کرد، هرکندم!"

ملغیلی را پرسیدند: "اشتها داری؟" گفت: "من بیچاره در جهان همین متاع را دارم."

در خانه حجی بدو دیدند. او برهت و در مسجدی بر کند و به خانه می برد. گفتند: "چرا در مسجد بر کفده ای؟" گفت: "در خانه مرا دزدیده اند و خداوند این دود را می شناسد. دود را به من سپارد و در خانه خود پاش ستاندا!"

واعظی بر منبر سخن می گفت. شخصی از مجلسیان گریه سخت می کرد. واعظ گفت: "ای مجلسیان! صدق او این مرد بیاموزید که این همه گریه به سو می کند." مرد برخاست، گفت: "مولانا! من نمی داشم که تو چه می گویی. اما من بزرگی سرخ داشتم. ریشش به ریش تو می ماند. در این دو رو مرد. هر گاه که تو ریش می چنبانی، مرا از آن بوک پیاد می آید و گریه بر من غالب می شود."

نیست. اگر سهری باشد در بستو باشد. شخصی خانه به کرایه گرفته بود. چوبهای سقفش بسیار صدا می کرد. به خداوند (صاحب خانه) از بهر مرمت آن سخن بکشد. پاسخ داد که: "چوبهای سقف ذکر خداوند می کنند." گفت: "نیک است. اما می ترسم این فکر مشجر به سجود شود."

دهقانی در اصفهان به در خانه بها الدین صاحب دیوان رفت. با خواجه سرا گفت که: "باخواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است با تو کاری دارد." با خواجه بگفت، به احضار او اشارت کرد. چون در آمد پرسید که: "تو خدایی؟" گفت: "آری." گفت: "چگونه؟" گفت: "حال آنکه من پیش، ده خدا، و پانچ خدا، و خانه خدا بودم. شواب توده و باغ و خانه او من به ظلم بستند. خدا ما خدا!"

شخصی را در پانزدهم رمضان بگرفتند که تو روژه بخورده ای. گفت: "او رمضان چند روژ گذشته است؟" گفتند: "پانزده روژ." گفت: "چند روژ مانده است؟" گفتند: "پانزده روژ." گفت: "من مسکین او این میانه چه خورده باشم؟"

دزدی در شب خانه فقیری می جست. فقیر از خواب بیدار شد، گفت: "ای مردک! آنچه تو در تاریکی می جویی، مادر روژ روشن می جوییم و نمی یابیم."

قزوینی با کمان بی تیر به جنگ می رفت که "تیر او جانش دشمن آید بردارم." گفتند: "شاید نیاید." گفت: "آن وقت جنگ نباشد!"

سلطان محمود در زمستانی سخت به طحک گفت: "با این جامه یک لا در این سرما چه می کنی؟ که من با این همه جامه می لروم." گفت: "ای پادشاه! تو نیز مانع من کن تا نلروم." گفت: "مگر تو چه کرده ای؟" گفت: "هر چه جامه داشته ام، همه را در بر کرده ام."

ترکمانی با یکی دعوا داشت. بستویی پر کج کرد و پاره ای روغن بر سر بگداخت و او بهر قاضی رشوت برد. قاضی بستد و طرف ترکمان گرفت و قضیه چنان که خاطر او می خواست آخر کرد و مکتوبی مسجل به ترکمان داد. بعد از هفته ای قضیه روغن معلوم کرد. ترکمان را بخواست که در آن مکتوب، سهوی هست. بپار تا اصلاح کنم. ترکمان گفت: "در مکتوب من سهوی

لنن کجا چنین حرفی زده است؟

ترجمه مقاله‌ای از نیویورک تایمز، شماره مفتاح اکتبر

روژ گذشته از پرویدشت ریگان سوال شد که آیا وی هنوز اتحاد شوروی را یک "امپراطوری شیطانی" می‌داند؟ وی که با مفسر شبکه سراسری تلویزیونی ای. بی. سی، صحبت می‌کرد پاسخ داد "بله و بخاطر مسائلی چون حمله به هواپیمای کره جنوبی در آسمان شوروی". او اضافه کرد: بعلاوه رهبران شوروی همواره اهداف جهانی خود را تصریح کرده‌اند؛ من اغلب این نقل قول لنن را یادآور شده‌ام که "ما اروپای شرقی را خواهیم گرفت، ما مردم آسیا را سازمان خواهیم داد و بعد بسوی آمریکای لاتین حرکت خواهیم کرد و لازم نخواهد بود که ایالات متحده را به تصرف درآوریم. این کشور چون میوه‌ای رسیده در دستان ما سقوط خواهد کرد."

لنن کجا چنین حرفی زده است؟ بعد از سخنان ریگان در مباحثه‌ای تلویزیونی نقل قول "میوه‌ای رسیده" طرح گردید. در آنجا یک مقام شوروی، کتورکی آرباتف این عبارت را بعنوان یک اختراع نازی‌ها محکوم کرد و گفت این حقیقت از سوی آقای آلترکوک که مفسر خبری ست، افشاشده است. آقای کوک که اتفاقاً در این بحث حضور داشت بگونه‌ای تأیید آمیز لبخند زد. اما پس از اینکه از آقای کوک شرح جزئیات امر خواسته شد،

پاسخ دادوی نمی‌تواند بخاطر بیاورد که در جایی راجع به این امر اظهار نظر کرده باشد. البته او این فرضیه را پیش کشید که: "شاید این عبارت از سناریوی یک فیلم قدیمی سینمایی به یاد آقای ریگان مانده باشد." در این زمینه دفتر مطبوعاتی کاخ سفید سعی کرد کمک کند ولی نتوانست مآخذ این عبارت را در جایی بیابد.

در کتابخانه کفره، محققین پرونده‌ای قدیمی پیدا کردند که چندین سال پیش در جستجوی منبع اصلی این نقل قول تشکیل شده بود. ولی برخلاف آنچه که گفته شده بود، به درمجموعه آثار لنن، جلد ۱۰، صفحه ۱۷۲ و نه در هیچ چاپ روسی یا انگلیسی این مجموعه، چنین عبارتی یافته نشده بود. اما در این پرونده بریده‌ای از روژنامه شیکاگو دیلی نیوز به تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۵۸ موجود بود که توضیح می‌داد این نقل قول تقلبی است. ولی مسئله ریشه‌یابی نشده بود.

دو هفتاد و دو سال، در کتاب جدید همکار ما جوزف لیلی والد راجع به آفریقای جنوبی اشاره غیر مستقیمی به ایده مزبور شد. او نوشت که شنیده است همین مضمون از طرف ژنرال‌های دست راستی در پرتوریا (آفریقای جنوبی) به لنن نسبت داده شده است. وی نوشت که بنظر می‌آید آنها

این مطلب را از کتابی بنام "هیچکس جرئت ندارد آنرا توطئه بنامد" منتشره در روزنومر کالیفرنیا در سال ۱۹۷۱ برداشته باشند و اعضای "انجمن جان برش" این کتاب را حریصانه می‌خوانند. با توجه به این موضوع، بالاخره آنچه که منبع پرویدشت ریگان است پیدا شد: "نشریه اطلاعاتی دولتی در مورد انجمن جان برش" جمع آوری در سال ۱۹۵۸ از طرف رابرت ولش. در صفحه ۱۰ این نشریه چنین نوشته شده است: "لنن در سال ۱۹۲۸ مرد، ولی قبل از اینکه بمیرد برای پیروانش استراتژی این تسخیر را طرح ریوی کرد. باید اعتراف کرد که این طرح فوق العاده آینده‌نگر، واقعی و بطور اعتیاد آوری ساده است. این طرح بدین صورت تفسیر و نقل به معنی شده است: "اول اروپای شرقی را تأثیر نفوذ خود می‌گیریم، بعد توده‌های آسیا را سپس آخرین سترک کاپیتالیسم یعنی ایالات متحده آمریکا را محاصره خواهیم کرد. لازم نخواهد بود حمله کنیم، این کشور چون میوه‌ای رسیده در دستان ما سقوط خواهد کرد"

خوب! این آن چیزی است که دنبالش می‌گشتیم! یک "تفسیر" جان برشی که در هیچ جا ثبت نشده اغلب از طرف رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بعنوان یک نقل قول رسمی و واقعی پیش کشیده می‌شود.

بیابسته دلان گردهم آئیم

که قدر سوت ده دل، دل سوت ده دونه

شاید اگر آقای "آدولو کالرو"، رهبر گروه ضد انقلابی "اف-د-ان" نیکاراکوگ-متشکل از اعضای سابق گارد ملی سوموزا - هم مثل "حبیب الله خان" رئیس "جامعه افغانی آمریکا" فارسی می‌دانست، با هم موقع گرفتن عکس زیر، بیت فوق را می‌خواندند.

کالرو (سمت چپ در عکس) و حبیب الله خان در کنفرانس سالانه "اتحادیه جهانی ضد کمونیستی" در لاس وگاس آمریکا با هم آشنا شدند و پیوند اخوت بستند. به راستی که درد و محنت، انسانها را به هم نزدیک می‌کند. یکی غم ملک و املکش در افغانستان رنجش می‌دهد، دیگر غبطه دوران شیرین سوموزا را می‌خورد که چه پربرت بود و چه باصفا! پس اگر بازگشت به گذشته طلایی امکان ناپذیر است، بگذار تا هر از چندی جمع شویم، مرثیه‌ای بخوانیم، و خوب، اگر چند دلاری هم از ارباب رسید، فبها!

اما این آقایان، تنها برای حسرت خوردن و عکس گرفتن گردهم نمی‌آیند. در کنفرانس مزبور، که به ابتکار مجله قاتلان حرفه‌ای بنام "سولجر آوفورچن" برگزار شد، قرار همکاری بیشتر در قتل و جنایت هم گذاشته شد. کنفرانس، محل ملاقات سران مزدوران با افراد "خبر" آمریکایی بود. علاوه بر بودجه رسمی سیاه، مبالغی از مخارج هنگفت آدمکشی و خرابکاری، از کیسه این افراد "خبر" تأمین می‌شود.



هزینه چاپ این شماره "اکتوب" را

ر- صوفی از سوئد

تأمین کرد

کتاب‌های مالی رسیده

رفیقی از لیون - فرانسه ۱۰۵ فرانک
"م" از نانت - فرانسه ۱۰۰ فرانک
للیف از افغانستان ۴۰۰۰ افغانی

عشق عمومی

احمدشاملو

اشک رازی ست
لبخند رازی ست
عشق رازی ست

اشک آن شب لبخند عشقم بود

قصه نیست که بگوئی
نغمه نیست که بخوانی
صدا نیست که بشنوی
یا چیزی چنان که ببینی
یا چیزی چنان که بدانی...

من درد مشترکم
مرا فریاد کن.

زیرا که مردگان این سال
عاشق‌ترین زندگان بوده‌اند.



دست را به من بده
دست‌های تو بامن آشناست
ای دیربافته! با تو سخن می‌گویم
بسان ابر که با تو فان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرند که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می‌گوید

زیرا که من
ریشه‌های ترا دریافته‌ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست.

درخت با جنگل سخن می‌گوید
علف با صحرا
ستاره با کهکشان
و من با تو سخن می‌گویم

نامت را به من بگو
دست را به من بده
حرفت را به من بگو
قلب را به من بده،
من ریشه‌های ترا دریافته‌ام
با لبانت برای همه لب‌ها سخن گفته‌ام
و دست‌هایت با دستان من آشناست.

در خلوت روشن با تو گریسته‌ام
برای خاطر زندگان،
و در گورستان تاریک با تو خوانده‌ام
زیباترین سرودها را

گفتگوی "اکثریت" با یولیان سیمیانوف خالق "لحظات هفده گانه بهاران"

شما خود در ایران تجربه گردید که آگاهی توده ها چه نقش مهمی در رشد و تعقیب انقلاب و درست گیری درست آن دارد.

امروز در ایران مردم با یک حکومت قرون وسطایی که حتی ابتدایی ترین حقوق تعقیب شده مردم را نیز پایمال کرده و می کند، روبرو

انقلابی، راهنمای عمل بود و توده های وسیع مردم آگاهانه تر در این مبارزات شرکت کرده بودند، افق پیروزی روشن و روشن تر بود و من در تمام این مبارزات این گفته لنین را که می گفت: "قدرت در نتیجه دانش و مبارزه آگاهانه وسیع ترین توده ها حاصل می شود" به عینه مشاهده کردم.

چنگیز آیتماوف: مردم ایران قطعاً پیروز خواهند شد

فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر فدائیان که همراه با وی تیرباران شده اند، به شدت محکوم می کنم. من همچنین خواهان لغو حکم اعدام انوشیروان لطفی عضو رهبری سازمان شما و سایر زندانیان سیاسی در ایران می باشم. مسلماً این اعمال شما را از مبارزه برای دست یافتن به اهداف عالی انسانی تان باز نمی دارد. بایستی با هر شیوه ممکن مبارزه را پیش برد.

من برای نویسندگان و هنرمندان دربند ایران و خانواده های آنان آرزوی استواری و سرفرازی دارم. من اطمینان دارم که مردم ایران در مبارزه و تلاش خود برای نيل به یک جامعه آزاد انسانی، قطعاً پیروز خواهند شد. من برای مردم شما از صمیم قلب آرزوی موفقیت و پیروزی دارم.

این عکس امضا شده مرابه عنوان یادگار به یادید. این عکس و نیز امضای من در زیر این ورقه، اعتراض نسبت به اعدام انقلابیون در ایران و در حکم تاکید من بر محکومیت رژیم جمهوری اسلامی است."

در شماره ۸۲ نشریه "اکثریت" مصاحبه ای داشتیم با چنگیز آیتماوف، نویسنده شهر شوری و رئیس اتحادیه سراری نویسندگان این کشور. در آن مصاحبه، این نویسنده سرشناس بر میبستگی خود با نویسندگان و هنرمندان ایران تاکید نمود. رفقای خبرنگار نشریه ما در انگلستان، در طی سفر اخیر چنگیز آیتماوف به این کشور گفتگوی تازه ای با ایشان انجام داده اند. چنگیز آیتماوف در این گفتگو در رابطه با ترور و اختلال موجود در ایران و خاصه در ارتباط با حرج اعدامهای اخیر در جمهوری اسلامی، چنین اظهار داشت:

"ما در راه آرمانهای عالی انسانی، زندگی و مبارزه می کنیم. ما برای شادی و بهروزی جامعه انسانی کوشش می کنیم. و در این راه یک لحظه باز نمی ایستیم. من بعنوان یک دوستدار آزادی و انسانیت، رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام بیش از پنجاه تن از مبارزین ایران در همین اواخر، خاصه اعدام رضی الدین تائبان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان

بقیه از صفحه ۱

صحبت را با لحظات هفده گانه بهاران آغاز می کنیم، کتابی که بین جوانان ایران از محبوبیت زیادی برخوردار است. سیمیانوف می گوید برای من بسیار مایه خوشحالیست که می شنوم کتاب من در بین خوانندگان ایرانی با استقبال مواجه شده است. همیشه آرزو داشتم روزی به عنوان یک شپروند شوری، به عنوان نویسنده و روزنامه نگار به کشور زیبای شما سفر کنم. با وجودیکه کشور شما را ندیده ام، اما علقه های عاطفی با سرزمین و مردم ایران دارم؛ مردمی با تاریخ کهن، فرهنگی غنی و انباشته از مبارزه. من به پیروزی مردم ایران ایمان دارم. جریان انقلاب ایران را به عنوان یک روزنامه نگار، یک نویسنده، به دقت دنبال کرده ام، من معتقدم انقلابی که با آن وسعت عظیم توده ای در ایران به وقوع پیوست، نمی تواند اثرات عمیقی در زندگی و مبارزه مردم نداشته باشد. مردم رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند و مسلم است که تن به اسارت یک رژیم واپسگرا نخواهند داد.

روی سخنم با جوانان ایرانی است البته می ترسم چیزی بگویم که حملیه خود ستائی شود. لذا حرف های لنین را که در سالهای ۲۰ برای جوانان کسومول گفت تکرار می کنم. لنین برای جوانان کلمات کرم و آتشین گفت، او گفت: "باید بیاموزید، بیاموزید و باز هم بیاموزید!" من از نزدیک با جوانان ایران آشنایی ندارم، اما شور انقلابی آنها را در جریان انقلاب بر صفحه جراید خواندم و از تلویزیون مشاهده کردم. این شور، این قهرمانی باید که با سلاح دانش انقلابی تکمیل شود. جوانان باید بیاموزند و با آگاهی در جهت استقلال، آزادی، دموکراسی و سوسیالیزم مبارزه کنند. من به اکثر کشورهای جهان مسافرت کرده ام؛ به موزامبیک، آنگولا، افغانستان و متغیانه به پاراگوئه. در سالهای ۶۷-۱۹۶۸ هنگام جنگ آزادیبخش ویتنام خبرنگار بودم. زمانی را با مبارزان مبین پرست لائوس بسر بردم. با چه کوارا شاعر و انقلابی بزرگ بولیوی، با ویکتور خارا شاعر نامدار شیلی، با پیکاسو، با هوشی مین رهبر بزرگ مردم ویتنام بارها و بارها ملاقات کرده ام. من در تمام این نقاط جهان نیروهای خیر و شر را در مبارزه با هم دیدم؛ نیروهای ارتجاعی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و نیروهای صلح و سوسیالیزم. در تمام این مبارزات هر کجا که تئوری روشن

هستند. در قرن بیستم کودکان خردسال را چادر سر می کنند و افراد را به خاطر ترقی خواهی و یا داشتن عقاید خلاف مذهب اعدام می کنند. من شنیده ام که تعداد زیادی از این قربانیان را جوانان و حتی کودکان تشکیل می دهند. شنیده ام که در ایران به بدترین نوع به زنان ستم می کنند و دختران جوان را در زندانها مورد تجاوز قرار می دهند. این اعمال جمهوری اسلامی تمام بشریت ترقیخواه را به اعتراض واداشته است. ناجایی که من می بینم و می شنوم سازمانهای انقلابی و مترقی تحت تعقیب قرار دارند و اکثر نویسندگان پیشرو و هنرمندان صاحب نام ایران یادر زندانها بسر می برند و یا مجبور به ترک وطن و مهاجرت شده اند. من از این بابت اندوه گینم و تلاش می کنم که در این مورد باتمام انرژی در جهت نشان دادن این فجایع و جلب حمایت هنرمندان و نویسندگان جهان برای محکوم کردن اعمال جمهوری اسلامی حرکت کنم. امروز از طریق قلم نویسندگان نیز، جهان باید متوجه این همه جنایات گردد. این وظیفه ماست؛ چرا که پیام یک نویسنده واقعی امروز چیزی جز آزادی، صلح و سعادت بشر نیست.

قهرمان داستان من در لحظات هفده گانه بهاران، که نام اصلی او "ماکسیم ایسانوف" و عضو سازمان اطلاعات شوری است و با نام مستعار "اشترلیتس" در سازمان اطلاعاتی رایش سوم کار می کرد، انسانی است انباشته از عاطفه و عشق به انسان و سعادت او. او به این خاطر در بدترین شرایط فاشیستی یک لحظه از کار نمی ایستد. من در باز آفریدن او به آن چیزهایی پرداخته ام که بنظر من نشانه عالی اصالت و شرف انسانی است. جنبه های عاطفی و دوست داشتنی یک انسان را به خوانندگانم به خصوص جوانان نشان داده ام. آگاهی، عشق، احساسات ظریف و عالی انسانی، کار توان فرسا، مبرا از خیانت و نیرنگ، این کوه و جانمایه شخصیت داستان من است. او در خط مقدم جبهه علیه نیروهای شرمی جنگد. او سمبول انسان انقلابی و نوینی است که در مکتب انقلاب بزرگ اکتر و سوسیالیسم پرورش یافته است. واضح است که این قهرمانها مختص کشور من نیستند. اینها مربوط به تاریخ بشری و تمام جوامع انسانی هستند. من خوب می دانم که در ایران توده های مردم و انقلابیون چه مبارزاتی را انجام داده اند، چه قهرمانیها که از خود نشان داده اند و این قهرمانیها چگونه



Handwritten signature and notes in Persian script.

تصویری از سیستان ستم دیده

با تعبیه تعدادی سیل بند محکم می شد جلوی خطر را گرفت اما اداره آبیاری زابل از انجام اینکار دریغ کرد و آب آنقدر در پشت سیل بندهای موجود جمع شد که فرو ریختند.

از مصیبت سیل کمر راست نکرده، قحطی و خشکسالی از راه رسید. امسال دریاچه هامون و نیزار خشک شده اند که هیچ، باران نیز نباریده است. هونکا همه خشکیده و کشتزارها از بی آبی سوخته اند. بخاطر نبود آب و علف، دامها صدتا، صدتا تلف شده و دامداران باز به حراج احشام خود دست زده اند. به چه قیمتی، مهم نیست. باید قبل از هلاک شدن فروخت.



کردگان سیستانی در جستجوی آب، بر گرد چاهمی که خشک می شود

ظاهرا راه چاره ای برای کنترل آب و تامین آب کشاورزی بیابند، اما چه کردند! گفتند حفرچاه نیمه عمیق و انشعاب آب از سد سیستان به بخشهای چهارگانه سیستان علاج کار است. اجرای عملیات از همان سال به شرکت "نوکار" واگذار شد. بنا بود که طرح تا سال ۵۴ پیاپی برسد. امروز بعد از سیزده سال تنها یک کانال آنهم بطور نسبی مورد بهره برداری قرار می گیرد.

سال ۵۸ طغیان رودخانه بار دیگر هستی دهقانان را نابود کرد. تنها

زندگی زحمتکش سیستانی به آب بسته است و آب به آمدو نیامد طبیعت. اگر روزگاردست دهد سالی پر حاصل و کم مشقت خواهد داشت. اما کی؟ این سوالی است که در چشمان کم رمقش موج میزند. تا کنون که هرچه دیده قحطی بوده و خشکسالی و با از آنسویان بوده و سیل و خانه خرابی. قهر طبیعت با زندگی اش عجین است و از آن خاطره های تلخی به دل دارد. هر سال یک واقعه، خشکسالی و قحطی و یا سیل و طغیان می روند.

سالهای ۵۰ - ۴۹، هیرمند به یکباره خشک شد. مردم می گفتند کار، کار دولت است. زمین از بی آبی سوخت و احشام از تشنگی تلف شدند. هر کسی حیوان زنده ای داشت به چوب حراج بست. گاو و گوسفند از یک تا پنج تومان خرید و فروش شدند. راه چاره چه بود. روستایی و شهری سرگردان و آواره چشم به راه فرجی دوخته بودند که پدیدار نمی شد.

روستائیان دار و ندار خود را فروختند و راهی کرکان و ترکمن صحرا شدند تا در ازای "قوت لایموت" بارنج خویش زمینهای شاپور غلامرضا پهلوی، هژبر یزدانی و اوباش و اشاری از این دست را آباد کنند. سال ۵۱ از طرف دولت آمدند تا

هنرمندان بزرگ شما را متاثر کرده و آثار بزرگی را پدید آورده است. من از قهرمانی اعضای سازمان فدائیان "اکثریت" و اعضای حزب توده ایران اطلاع دارم و می دانم که هم اکنون چگونه تحت سخت ترین شرایط، انقلابیون ایران مبارزه می کنند. این مبارزان بسیار شایسته احترامند. من سخن یکی از دانشمندان اروپا را به خاطر می آورم که می گفت: "تنها آن کسی شایستگی افتخار و آزادی را دارد که هر روز بخاطر آن رزمیده باشد."

از سیمیناوف پیرامون رسالت و پیام هنرمندان می پرسیم. می گوید: امروز هنر و ادبیات بشری باید متوجه امر صلح باشد. ادبیات یعنی چه؟ ادبیات یعنی صلح! ادبیات امروز کشور شوراها متوجه همین امر بزرگ انسانی است، امری که زندگی را حراست می کند. امروز باید تمام هنرمندان تلاش کنند که صلح الهام دهنده آنها باشد. ما بخاطر صلح و بیروزی بشریت از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم کرد. بهترین مثال ما برای مدعا، مبارزه عظیم ملت ما با ماشین جنگی فاشیسم است. ما این ماشین جهنمی را با قدرت بیکران مردم درهم شکستیم. در این مبارزه هنرمندان و نویسندگان سهم عظیمی داشتند. امروز هم ما با تمام قلب و احساس خود به مردمی که بخاطر استقلال و آزادی و به خاطر صلح می رزمند، یاری می رسانیم. قلم مادر خدمت به بشریت ترقیخواه و مبارزه عادلانه خلق هاست. من تراژدی ایران را در قلب خود احساس می کنم. تراژدی ملتی بزرگ که دچار حاکمیتی پست و ارتجاعی شده است. آثار بزرگترین اندیشمندان و هنرمندان و یادگارهای چند هزار ساله آن دستخوش آماج های تنگ نظرانه می شود، و جنگی بی حاصل و خانمان سوز که من به شدت از آن متنفرم در آنجا جریان دارد، جنگی که سود آنرا امپریالیسم آمریکا می برد، جنگی که تا کنون صدها هزار انسان را با تمام آرزوهای خود بکام مرگ کشانده و میلیون ها نفر را آواره و بی خانمان کرده است. جنگی که بر صلح جهانی لطمت جدی وارد می سازد و زمینه را برای ماجراجویی های بیشتر آمریکا فراهم می سازد. اما با تمام این مسائل و مشکلات من امیدوارم که یک روز در ایران آزاد و دموکراتیک از نزدیک با خوانندگان آثار خود آشنا شوم و از دیدن چهره های شاد و تبسم مردم خوشحال کردم. من برای ایران "بهاران" را آرزو می کنم. ما در بهار ایران یکدیگر را دوباره خواهیم دید.

تاسیس اتحادیه سندیکایی جدید در آفریقای جنوبی

خود را بر مبارزه طبقاتی زده است، فعال شدن کارگران آفریقای جنوبی است. در یکی دو سال اخیر، زحمتکشان آفریقائی بطور توده ای به سندیکاها می پیوندند. این روند به بهمن می ماند. برای نخستین بار در تاریخ آفریقای جنوبی، تعداد سیاهپوستان عضو سندیکا از شمار اعضای سفیدپوست سندیکاها بیشتر شده است. نکته برجسته آن است که این سندیکاها تنها به خواستهای اقتصادی اکتفا نمی کنند. آنها در یافته اند مبارزه علیه استثمار سرمایه داری در پیوند تنگاتنگ با اقدام علیه رژیم نژادپرست است. جنبش سندیکایی به عنوان نیرویی که در مبارزه برای رهایی ملی نقش بسیار مهمی دارد، اعتبار روز افزونی می یابد. نیروی طبقه کارگر و فعالیت آن در جنبش رهایی بخش، امکانات را برای یک اعتصاب سراسری و عمومی سیاسی که قادر است در لحظه مساعد صف بندی نیروها و تدارک قیام را تحت تاثیر معسوس قرار دهد، می کشاید.

اتحادیه کارگری جدید آفریقای جنوبی بر اساس معیارهای غیر نژادی تشکیل شده و عضویت در آن برای کارگران همه نژادها آزاد است.

کارگری جدید اعلام کرده اند. استیود لامبینی، رهبر "ساکتو" گفت تنها کارگران آفریقای جنوبی به اتفاق نیروهای ترقیخواه متعلق به همه نژادها قادرند کشور را از تبعیض نژادی، استثمار و ستم ملی رهایی بخشند.

کنگره ملی آفریقا از مدت ها پیش سعی خود را برای ایجاد اتحادیه فراگیر کارگری بکار گرفته بود. فرانسیس ملی سردبیر ارگان مرکزی کنگره ملی در مصاحبه با "اکثریت" (که در شماره ۸۲ درج شده بود) بنیانگذاری قریب الوقوع چنین اتحادیه ای را پیش بینی کرده و اظهار داشت: "کارگران سیاهپوست، اتحادیه های خود را تشکیل داده و در این فکر هستند که چگونه آنها را سراسری کرده و کنفدراسیون اتحادیه ها را ایجاد کنند."

حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقای جنوبی برای جنبش سندیکایی این کشور اهمیت زیادی قائلند. جواسلوو، عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی و عضو هیئت اجرایی آن، سی.، اخیرا در مصاحبه ای گفت: "عامل مهمی که مهر

هفته گذشته، قریب به ۱۰۰۰ نماینده از ۲۷ سندیکایی کارگری آفریقای جنوبی با مجموع حدود ۵۰۰ هزار عضو، در شهر دوربان گرد هم آمده و قدراسیون سندیکایی جدید شد آپارتاید با نام "کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی" را بنیان گذاشتند. کریل رامافوسا، رهبر "نام"، سندیکایی کارگران معدن، به عنوان رئیس اتحادیه فراگیر کارگری نوبنیاد، برگزیده شد.

علاوه بر اتحادیه معدنچیان، مهمترین سندیکاها کارگری آفریقای جنوبی مانند "فدراسیون سندیکاها ی آفریقای جنوبی" و تعداد زیادی از سندیکاها ی عضو ائتلاف ضد آپارتاید با نام "جبهه متحد دمکراتیک" در اتحادیه نوین کارگری متحد شده اند. در کنگره موسس اتحادیه، کریل رامافوسا رهبر منتخب کارگران خواهان برکناری رژیم بوئا شد. وی گفت دولت دیگر کشور را تحت کنترل نداشته و باید قدرت را به رهبران واقعی مردم تسلیم کند.

کنگره ملی آفریقا و اتحادیه سندیکایی "غیر قانونی" "ساکتو" پشتیبانی کامل خود را از اتحادیه

به مناسبت سالگرد نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان

روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴، خلق آذربایجان زندگی نوینی را فرا روی خود کشود. از این روز تا ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵، خلق و حکومت ملی آن، در زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - فرهنگی آذربایجان، آنچنان اقدامات دموکراتیکی انجام دادند که در تاریخ مبارزات رهایی بخش خلقهای ایران بی نظیر است. آذربایجان به مثابه دژ مطمئن استقلال و آزادی ایران نمی توانست از کینه حیوانی ارتجاع وطن فروش مرکزی و امپریالیستهای خون آشام مصون بماند. در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ ارتجاع با کمک بلاواسطه امپریالیستها به آذربایجان یورش خونینی آورد. نهضت ملی - دموکراتیک مردم آذربایجان سرکوب شد. ارتجاع سیل خون جاری ساخت، بطوریکه این وحشیگری لجام گسیخته نیز در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است.

"صحنه سرخ" عنوان یک شعر آذری است که توسط ابوالفضل حسینی (حسرت) - شاعر دوره نهضت ملی - دموکراتیک - چند روز بعد از شکست نهضت سروده شده است. صحنه های این شعر نمونه ایست از هزاران صحنه های مشابه که بعد از شکست نهضت بر آذربایجان گذشته است. بر گردان آزاد این شعر را در زیر می خوانید.

صحنه سرخ

بازیر فراز تبریز بزرگ
آسمان
ردای سیاهی در بر کرده است.
فاجعه ای دیگر، زائیده
و بر همه جا گرد اندوده و ملال
پاشیده می شود.
تبریز به پاییز عیوسی می ماند
بعد از بهاری پر شوکت.
بر فراز کوهساران
مهی سیاه و سنگین، خیمه زده است.
ما همه می گرییم: آسمان، من و زمین
باغها همه افسرده گشته اند
از هجوم زمستان سیاه.
دیگر نمی توان غنچه ای، نسترنی، سوسنی
در گلستان یافت.
آفتاب به عروس ناگامی می ماند
که کیسوی زرین، پنهان کرده باشد.
قامت سروها خمیده اند
همه جا باد شیون می کشد.
با چشمانی غمزه
می نگریم در قاب پنجره
تصویر مات "لاله" را در حاشیه شهر.
نگاهم گره می خورد به این دیار غمزه
که بهارش می افسرد
در تاراج باد خزان

در قاب پنجره مردمان را می نگریم
گرد آمده اند
صداهایشان نزدیک است
قلبم می خواهد از آشیان سینه
پر بکشد.

چیست راز این حادثه؟ چیست؟

سرم پر آشوب است
و کلویم آکنده از بغض
پایه کوچه می نهم

مرا همچون خود پاک پروریده است
اگر بر خاک افتم چه پاک؟

نه نوکر بیگانه ام
نه وطنم را به لیر و دلار، ارزانی داشته ام
و نه به مفتخوارگی تن سپرده ام.

من سرباز ساده سرزمین خودم
همچون هزاران سرباز دیگر

می دانم که سرزمین من هماره زنده خواهد ماند
و من هماره در آغوش می مانم

بگذار امروز پیکرم در خون غلتد
اما فردا خلق از خصم انتقامم را خواهد ستاند...

آتش! آتش!

دژخیمی نعره کشید
و خورشید غروب کرد
بر پیشانی بلند آسمان.

توفان خشم در می گیرد
سیلاب خلق
بی محابا از خون و آتش
روان می گردد.
پیکر شهید بر دوش خلق است
سرما به احترام فرود می آیند.

- این خونها دریا خواهد شد
فردا از بی امواج توفانی آن
خورشید را خواهی یافت
رخشنده در آسمان سعادت.
خون سرخ تو، سرخ گلی خواهد شد
بر خاک این دیار.

قامت رشیدت
بر افراشته می گردد
به سان کوهی مغرور.
خاک تو
تو را از یاد نخواهد برد
لاله زاری خواهد شد
وقتی دوباره بهاران باز آید...

توده غمزه ای را می بینم
ملول و مبہوت
بر از دحام مردم افزوده می شود
چشمان خلق گریان است
جلوتر می آیم.

افسر خلق را می بینم
با پیکری مجروح
نمی خندد
اما چهره اش مسرور است
به کوهی پر هیبت مانده است
با ستیغی مغرور
به شیری مانده است

در زنجیر.
جلادان در برابرش صف کشیده اند
با قلبهایی تیره.
به رنگ سنگ سیاه.
خلق در چنبره اندوهی سترگ است.

فرزند خلق چنین می گوید:
"باشما بایم من! گوش فرادارید
تا تقسم باقی است
نه یایغم من، نه خان، نه زورگو
خون کسی را ریخته ام
سرزمین پاکم



هواپیمای سرنگون شده کره جنوبی، برای سیاحاسوسی می کرد

دو سال واندی پس از ماجرای سرنگونی هواپیمای بوئینگ شرکت هوایی کره جنوبی در قلمرو اتحاد شوروی، وکلای مدافع خانواده های خدمه مقتول این هواپیما در مصاحبه ای با یک خبرگزاری ژاپنی پرده از علت تجاوز هواپیما به حریم هوایی شوروی برداشتند. به گفته آنها، همران خلبان و کمک خلبان بوئینگ ۷۴۷ تأیید کرده اند که سیاه سازمان جاسوسی آمریکا، این دورا وادار به انجام یک پرواز جاسوسی بر فراز جزیره ساخالین نموده بود. سیاه خلبان و کمک خلبان جیبوجیت، وعده پرداخت مبلغ هنگفتی در صورت موفقیت در انجام این ماموریت داده بود. همچنین سیا و شرکت هواپیمایی کره جنوبی در این مورد قبلاً به توافق رسیده بودند.

در ژاپن، افشاکری وکلای مدافع آمریکایی قربانیان سانحه، بازتاب گسترده ای داشت و مطبوعات و رسانه های گروهی، از آن به عنوان مدرک انکارناپذیری مبنی بر مسئولیت دولت آمریکا در کشته شدن مسافری و خدمه هواپیما نام بردند.

اخبار کوتاه

* سام نجوما رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) اعلام کرد علیرغم ترور و سرکوبی که دولت آفریقای جنوبی علیه مردم نامیبیا اعمال می کند، مبارزه آنها به رهبری سواپو بطور مسلحانه تا برگزاری انتخابات آزاد تحت نظارت بین المللی ادامه خواهد داشت. وی افزود تشکیل "دولت بوقت" عروسی در نامیبیا ترفندی از سوی رژیم آپارتاید برای جلوگیری از استقلال واقعی این کشور است. نجوما گفت مذاکره با رژیم آفریقای جنوبی تنها زمانی امکان پذیر خواهد بود که این دولت قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت در باره استقلال نامیبیا و شناسایی سواپو به مثابه تنها نماینده قانونی مردم این کشور را بپذیرد.

* محمدخان چونجو، نخست وزیر پاکستان در جریان دیداری از چین با رهبران این کشور، از جمله زائو زیانگ رئیس شورای دولتی دیدار کرد. دو طرف "اشتراک نظر پیرامون پاره ای مسائل بین المللی" را مورد تأکید قرار دادند. چین از پاکستان به مناسبت "کمک" به پناهندگان افغانی "ستایش" نمود. چندی پیش دولت چین مبلغی معادل ۱۰۰ هزار دلار در اختیار اشراف افغانی گذاشت.

* مطبوعات ترکیه گزارش دادند شمار بیکاران در این کشور به چهار میلیون نفر رسیده و پیوسته روبه افزایش است. این تعداد علاوه بر میلیون ها کارگر ترکی است که در جستجوی کار، ناکزیر به مهاجرت به کشورهای اروپائی شده اند. طبق این گزارش، بیش از نیمی از بیکاران ترکیه کمتر از ۲۴ سال دارند. بیکاران ترکیه ۲۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل می دهند. آنها در فقر مطلق به سر برده و اغلب از هر گونه بیمه اجتماعی محرومند.

سیاسی به استراتژی عمومی امپریالیسم آمریکا وابسته نته می دارد، هیچگونه تحولی در جهت صلح و تحقق خواستهای توده های زحمتکش امکان پذیر نیست.

گزارش به کنگره می افزاید تا زمانی روابط دو خلق اسرائیل و فلسطین، روابط میان ظالم و مظلوم، روابط میان غاصبان و مبارزین علیه اشغالگری است، جامعه اسرائیل نیز با افزایش خشونت روبرو خواهد بود، نژاد پرستی گسترش خواهد یافت و خطر فاشیسم رشد خواهد کرد.

دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل برنامه ای برای یک صلح همه جانبه، عادلانه و پایدار ارائه نمود. رئیس این برنامه عبارت است از:

— عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۷،

— احترام به حق خلق فلسطین بر تعیین سرنوشت خود،

— تشکیل دولت مستقل فلسطین در کرانه غربی رود اردن به انضمام بیت المقدس شرقی و نوار غزه — حل مسئله آوارگان عرب بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد

— احترام به حق اسرائیل و کشورهای عربی، از جمله کشور فلسطین برای موجودیت مستقل و رشد تحت شرایط صلح و امنیت.

رهبر حزب کمونیست اسرائیل اظهار داشت بهترین راه تحقق این اهداف، تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک به سرپرستی سازمان ملل متحد، به گونه ای است که اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای پیشنهاد کرده اند.

افغانستان از مذاکرات ژنو استقبال می کند

ببرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در جلسه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب که برای بررسی نتایج اجلاس رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو تشکیل شده بود، خاطر نشان ساخت خلق افغانستان از توافقات حاصله میان اتحاد شوروی و آمریکا استقبال کرده و این توافقات را گامی مثبت و سازنده می داند. وی افزود حزب و دولت افغانستان بطور کامل از برخورد اصولی اتحاد شوروی به حل مسائل منطقه ای پشتیبانی می نماید. ببرک کارمل از اتحاد شوروی برای حمایت از تلاش افغانستان برای حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان قدردانی نمود. رهبر افغانستان اظهار داشت نتایج مشخص در مذاکرات جاری میان افغانستان و پاکستان به سالم سازی اوضاع منطقه و جهان یاری خواهد رساند.



کنگره دوم حزب کار آنگولا

دوشنبه دوم دسامبر، کنگره دوم میلاد حزب کار، آنگولا در لوآندا گشایش یافت. ۷۰۰ نماینده حاضر در کنگره، مسائل مربوط به مبارزه برای تحکیم قدرت خلقی و دفاع از دستاوردهای انقلاب را مورد بحث قرار دادند. در دستور کار کنگره، تزهایی در باره تقویت نقش رهبری حزب، برنامه و اساسنامه و سیستم مدیریت اقتصادی قرار داشت.

خوزه ادواردو دوس سانتوس، رهبر حزب کار آنگولا، در گزارش به کنگره، روند بفرنج طی شده از هنگام تأسیس جمهوری در سال ۱۹۷۵ را تحلیل کرد. وی با اشاره به تغییرات عمیقی که عوامل داخلی و خارجی، و به ویژه بر اثر تشدید تجاوز آفریقای جنوبی علیه آنگولا در کشور ایجاد شده است، گفت: باتوجه به موقعیت بسیار جدی سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور، کمیته مرکزی حزب در فوریه سال ۱۹۸۲، یازده برنامه فوری تصویب نمود. وی افزود برای تحقق این برنامه ها، فعالیت گسترده ای از سوی زحمتکشان آنگولا آغاز گردید، اما اهداف مورد نظر در همه عرصه ها هنوز تحقق نیافته است.

رهبر آنگولا از کمک اتحاد شوروی، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی به مبارزه خلق آنگولا برای حفظ استقلال کشور و دفاع از تمامیت ارضی آن، قدردانی نمود.

به دستور مارکوس قاتلین آکینو تیرگه شدند

دادگماهی که برای رسیدگی به ماجرای قتل بنینو آکینو، از رهبران اپوزیسیون فیلیپین، تشکیل شده بود، علیرغم همه شواهد و مدارک و علیرغم گزارش کمیسیون تحقیق درباره قتل آکینو، ژنرال "ور" فرمانده ارتش فیلیپین و ۲۵ متهم دیگر را که اکثر آنها افسران عالی رتبه ارتش هستند، تبرئه کرد. به دستور مارکوس، دادگاه اعلام کرد بنینو آکینو در مراجعت از آمریکا قبل از پیاده شدن از هواپیما به دست یک غیر نظامی بنام کالمن به قتل رسیده است. این فرد بلافاصله پس از قتل آکینو هدف گلوله نظامیان قرار گرفته و کشته شد. در حکم دادگاه، این معاحل نشده مانده است که چگونه کالمن توانسته است در حالیکه اندکی دورتر از هواپیما بوده، آکینو را هنگام پایین آمدن از پلکان هواپیما از پشت سر به گلوله ببندد. شهادت گواهانی نیز که تأیید کردند نظامیان آکینو را هدف گلوله قرار داده اند، مورد توجه دادگاه قرار نگرفت.

حکم فرمایشی دادگاه هنگامی صادر شد که مارکوس از قبل، اعلام کرده بود ژنرال "ور" مقام خود بعنوان رئیس ستاد ارتش را باز خواهد یافت. تبرئه متهمین به قتل آکینو، در سراسر فیلیپین تظاهرات و اعتراضات گسترده ای برانگیخت.

کنگره حزب کمونیست اسرائیل

چهارشنبه گذشته، بیست و یکمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل در حیفا گشایش یافت. مه ایرویلینز، دبیر کل حزب گزارش کمیته مرکزی را قرائت کرد. در این گزارش آمده است تا هنگامی که دولت اسرائیل سرنوشت کشور را از لحاظ اقتصادی و

فرم بازجویی هفته به هفته

ساواک جمهوری اسلامی ،
کسانی را که به دلایل مختلف از زندان
آزاد می شوند ، مجبور می سازد هر هفته
به مراکز معین (مراکز سپاه ،
دادستانی ، زندانها و...) رجوع
کرده و یک فرم اطلاعاتی را که
تکلیف آنها مشاهده می کنید ، پر کنند .
به این ترتیب آزاد شدگان ، هر هفته
زیر بازجویی قرار می گیرند . توانان و

خائنان نیز از جمله از این طریق ،
اطلاعات خود را در اختیار ارگانهای
سرکوبگر جمهوری اسلامی می گذارند .
جمهوری اسلامی با فشار مستمر
بر آزاد شدگانی که تم به خیانت
نداده اند ، می کوشد آنان را از طریق
این بازجویی هفته به هفته کنترل کند
و مرعوب سازد تا احیاناً به صورت
یک کاتال اطلاعاتی در آیند .

بسم الله تعالی

اینهاست فرزند که در تاریخ خود را به ارتدادگاه قدس معرفی نمودند

چند که به شورای جامع و کامل و از روی مناقش بنم

اسماء

۱- در هفته گذشته چه خبرهایی شنیده اید ((خبرها و تهرانی و سلس)) ؟

۲- شما چه می شنیدید که در هفته گذشته شنیده اید را دقیقاً قلمی آنرا بیان کنید ؟

۳- هفته گذشته با کدامیک از افراد سابق (تراب ، تنگبانی ، حزب الهی) برخورد داشته اید نوع و
چگونگی و مبرور برخوردتان را بنویسید ؟

۴- در این هفته چه شواهدی (سیاسی ، عقیدتی) برایتان بهرآمده است بنویسید ؟

۵- نظراتان را در مورد فعالترین گروه های ضد انقلاب موجود در منطقه را بنویسید ؟

۶- مهمترین و فعالترین حرکت و تلاش ها در هفته گذشته چه بوده است توضیح دهید ؟

۷- پیشنهادات و انتقادات سازنده در هفته گذشته و برای هفته آینده را بنویسید ؟

اسماء

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا		دیگر نقاط	
بهای اشتراك نشریه "کار":	شش ماهه	۱۱ مارك	۱۳ مارك
	يك ساله	۲۱ مارك	۲۴ مارك

اروپا		دیگر نقاط	
بهای اشتراك نشریه "اکثريت":	سه ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	شش ماهه	۵۲ مارك	۵۸ مارك
	يك ساله	۱۰۲ مارك	۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 86
MONDAY DEC 9 , 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

این شهیدان که اند این همه خونین کفان

مهرماه ۱۳۴۴ در زندان اوین تهران
تیرباران شد .

اعدام تن از مجاهدین خلق

نشریه مجاهد ، در پی انتشار
اخباری پیرامون اعدام عده ای از
مجاهدین ، در شماره ۲۶۹ خود ، نام
چند تن دیگر از هواداران سازمان
مجاهدین خلق را که در موج کشتارهای
اخیر توسط رژیم خمینی به شهادت
رسیده اند ، اعلام داشته است . این
گروه از شهدای مجاهد عبارتند از:
جواد ایزدی ، صادق طهماسبی ، صدیقه
صادقپور ، بهرام باصری ، احمد دلاقی
و محمد حقیقت کو .

نشریه مجاهد محل تیرباران این
افراد را ، زندان کهر دشت ، زندان
قزل حصار ، زندان اوین و زندان
عدل آباد شیراز ، اعلام کرده است .

اعدام یک مبارز ارمنی

یکی از مبارزین ارمنی به نام
" وارطان شیروانیان " اخیراً از سوی
رژیم خمینی تیرباران شده است .
وارطان در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۲ توسط
پاسداران رژیم دستگیر شد و روز ۲۶
شهریور ۱۳۴۴ چند وی را به یکی از
کلیمهای تهران تحویل دادند .
نشریه "آوریل" در شماره اخیر خود ،
ضمن اعلام خبر فوق ، اطلاع داد که
وارطان پیش از این یکبار در تابستان
۱۳۴۰ دستگیر گردیده بود . در آن
نوبت ، ۱۱ ماه در زندانهای کمیته
مشترک و اوین بسربرد و در بهار سال
۱۳۴۱ از زندان آزاد شده بود .

محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی
سازمان ملل متحد

است . این ثمره پشتیبانی بشریت
ترقیخواه از این افشاگریهاست که به
همه آن قطعنامه ها و گفته ها و نوشته ها ،
اعتبار می بخشد .
حالت دفاعی اطلاعاتی وزارت
امور خارجه را باید به عنوان یک
پیروزی تلقی کرد . ثمرات تلاش
مداوم در پرده برگرفتن از چهره کویه
جمهوری اسلامی هر روز آشکار و
آشکارتر می شود . بر این تلاش
بیغراییم و طشت رسوایی رژیم را بر
صد اثر از با مهابه زیر افکنیم .

شهادت دو نفر از مسئولین
حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی حزب دمکرات
کردستان ایران طی اطلاعیه ای اعلام
نمود که دو تن از مسئولین این حزب در
موج اعدامهای اخیر بدست جلادان
خمینی تیرباران شده اند . بر اساس
اطلاعیه مبرور کمال دباغی ، عضو
کمیته مرکزی حزب دمکرات و طه
حق طلب ، عضو مشاور کمیته مرکزی
حزب دمکرات در بین کتیره های
چهارم و پنجم حزب ، اخیراً در
کرمانشاه و تهران اعدام شده اند .

در اطلاعیه مبرور می خوانیم که
کمال دباغی از سال ۱۳۴۶ به عنوان
هوادار حزب دمکرات در فعالیتهای
سیاسی شرکت جست و در جریان
انقلاب ، تلاشهای چشمگیری از خود
نشان داد . وی در میان روزهای اول
پس از انقلاب به حزب دمکرات
پیوست و در شورای شهر مهاباد ،
فعالیت نمود . کمال دباغی در اسفند
ماه سال ۵۸ به عضویت کمیته مرکزی
انتخاب گردید و مسئولیت
سازماندهی کمیته های حزبی را در
کرمانشاه و ایلام به عهده گرفت .
کمال دباغی در اردیبهشت
ماه سال ۱۳۴۱ در کرمانشاه دستگیر
شد و با آنکه به ۱۵ سال زندان
محکومیت یافته بود ، از سوی مقامات
جمهوری اسلامی اعدام گردید .
طه حق طلب که بعد از انقلاب به
مسئولیت مشاور کمیته مرکزی حزب
دمکرات برگزیده شده بود ، در سال
۱۳۴۲ در تهران دستگیر شد و در ۱۵

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی چه بسا تا بازو به
خون مردم ایران آغشته است . اکنون
همه مجامع بین المللی همچون عفو
بین المللی و سازمان ملل ، اکثر
نشریات پرتیراژ ، رسانه های گروهی ،
تشکلهای سیاسی و غیر سیاسی مختلف در
کوشه و کنار جهان حتی آنهایی که به
منفعتشان نیست ، با موضوع نقض حقوق
بشر در جمهوری اسلامی به عنوان یک
واقعیت شناخته شده برخورد می کنند .
این ثمره افشاگریهای پی گیر و مداوم

برای رهایی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در یازدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثريت) ، برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را
برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!